

مقایسه تطبیقی مکتب امام خمینی علیه السلام و مکتب شهید سلیمانی در دستگاه معرفتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)*

محمود قاسمی قلعه بهمن^۱

چکیده

ضرورت شناخت مکتب شهید سلیمانی از آن رو است که شهادت ایشان از جمله ایام الله دانسته شده است که تذکر آن، انسان ساز، آموزنده و بیدارکننده بشریت است. لذا به عنوان نقطه عطف تاریخی و مؤلفه‌ای تاریخ ساز و دلیل راهی برای ساخت آینده محسوب شود. در اندیشه انقلاب اسلامی چنین انسان‌های تربیت یافته در مکتب اسلام ناب محمدی، می‌توانند انسان‌های مکتب ساز و نقش آفرین در برابر سلطه استکباری باشند. در این نوشتار تلاش شده است ضمن تبیین جوهره و ابعاد مکتب امام خمینی علیه السلام، در دستگاه معرفتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، به توسعه و بازسازی مفهومی مکتب شهید سلیمانی با الگوی نامتوازن تطبیقی پرداخته شود و امتداد ذهنی و عینی مکتب تربیتی امام را در شخصیت و سیره شهید سلیمانی نشان داده شود. در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی میان خط شهدا با خط امام راحل علیه السلام رابطه و نسبت این همانی وجود دارد و این همان نسبتی است که معظم له آن را در مورد سید شهدای مقاومت حاج قاسم سلیمانی مطرح کرده است و نشان داده می‌شود شهید سلیمانی به عنوان پیرو مکتب امام خمینی علیه السلام، اسلام ناب تجلی یافته در رفتار و گفتار امام را پیگیری کرده و آن را تجلی بخشیده است.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، آیت الله العظمی خامنه‌ای، شهید سلیمانی، مکتب امام، خط امام، ایام الله.

مقدمه

روش مقایسه‌ای و تطبیقی یکی از جدی‌ترین روش‌های فهم محسوب می‌گردد که در آن دو موضوع و مسئله با یکدیگر مقایسه، وجوه اشتراک و افتراق آنها به دست می‌آید. گریز از قیاس ناپذیری و قیاس مع الفارق از مهم‌ترین موارد مورد توجه و رعایت در این زمینه است و همچنین این‌که تا کجا می‌توان چیزی را با چیزی دیگر مقایسه کرد و از چه محدوده‌ای حق مقایسه کردن وجود ندارد؟ از جمله مباحث مهم در روش مقایسه‌ای است. در این مقاله از

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۹

۱. محقق و پژوهشگر مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی تهران، ایران (bahman.mgb@gmail.com).

الگوی مقایسه نامتوازن استفاده می‌شود. هدف در مقایسه نامتوازن انتقال دانایی از حوزه معلوم به حوزه کمتر معلوم یا حوزه مجهول است. هنگامی از الگوی نامتوازن استفاده می‌گردد که در مقایسه پدیده «الف» با پدیده «ب» میزان نظام معرفتی و دانایی ما درباره «الف» و «ب» به شدت غیر هم‌وزن است. بنابراین از انباشت دانایی و تجربی در مورد پدیده «الف» استفاده کرده و به مطالعه پدیده «ب» می‌پردازیم تا ابهام‌گویی و مجمل‌گویی و از سوئی دیگر شباهت و معضلاتی که در مورد عنصر «ب» وجود دارد، براساس اطلاعاتی که در مورد عنصر «الف» وجود دارد ایضاح و تدقیق تفصیلی و بسط یافته یابد. به‌طور کلی در مواردی که با موقعیت‌های همسان مواجهه نیستیم و انباشت تجربه قابل انتقالی داریم، مطالعه تطبیقی نامتوازن اتفاق می‌افتد. قدم اول در این الگو و مدل معرفتی، بیان وجوه شباهت است تا مخاطب متقاعد شود این دو پدیده دارای وجوه مشابهی هستند. قدم دوم، مشخص کردن دانایی‌های انبوهی است که درباره عنصر «الف» وجود دارد و قدم بعدی بازسازی و پیاده‌کردن (تطبیق) آن بر عنصر «ب» است تا آن عنصر «ب» از شفافیت و وضوح لازم برخوردار گردد. با درک تفاوت‌ها و شباهت‌های دو حوزه مفهومی، از رهنمودها و دلالت‌های موجود در حوزه «الف» برای توسعه و بازسازی حوزه «ب» بهره گرفته و از ظرفیت مفهومی و نظری آنها استقراض کرده و در جهت امتداد آن در حوزه بینشی استفاده می‌گردد؛ یا به تعبیری از دانش انباشته شده در یک حوزه مفهومی برای تدقیق، بهبود، بهینه‌سازی یا بسط حوزه دیگر استفاده می‌گردد. مبادله‌ای وام‌گونه میان حوزه‌های همگون یا ناهمگون صورت می‌یابد.

تحقیق مزبور در دستگاه و منظومه معرفتی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بررسی می‌شود و در این بستر معرفتی، اولاً مکتب امام خمینی علیه السلام توصیف می‌شود و شاخص‌های اصلی آن بیان می‌شود. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای از مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام غالباً با کلیدواژگان «خط امام»، «منطق امام»، «مکتب امام» و «سیره امام»، «اصول امام» و «اصول انقلاب» و... یاد کرده است. این پژوهش درصدد است که شبکه مضامین مکتب امام را در این دستگاه معرفتی به دست آورد. ثانیاً با تأمل در بیانات مشروح معظم له، شبکه مضامین مکتب شهید سلیمانی نیز در دستگاه معرفتی ایشان استخراج می‌شود و ثالثاً با توجه به تبیین مفصل معظم له و انباشت دانایی شکل گرفته نسبت به مکتب امام خمینی علیه السلام، نظام معرفتی و دانایی خود را از مکتب شهید سلیمانی بسط و گسترش می‌دهیم. به گونه‌ای که برخی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی را معظم له به آن تصریح کرده‌اند و برخی را با توجه به برقراری این همانی میان خط امام و خط شهید سلیمانی به گونه ضمنی اشاره کرده‌اند. لذا در

ضمن مقایسه تطبیقی این دو مکتب در دستگاه معرفتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، مضامین ضمنی و پنهان و ناشناخته آن را آشکار ساخته و ضمناً مضامین آشکار آن را صورت بندی دقیق نماید. با توجه به صورت بندی مضامین ضمنی و آشکار آن به توسعه و بازسازی مفهومی مکتب شهید سلیمانی که دانایی و شناخت کمتری از آن وجود دارد، بپردازد و تبلور و امتداد ذهنی و عینی مکتب تربیتی امام خمینی علیه السلام را در شهید سلیمانی نشان دهد.

چیستی مکتب

«مکتب» به چه معنایی است؟ سؤال مهمی است که متفکرین اسلامی مواجهه متفاوتی نسبت به آن داشته‌اند. برخی با تأمل با آن مواجهه داشته و درصدد تبیین و تعریف آن برآمده‌اند و برخی صرفاً در مقام استعمال، از این واژه استفاده کرده و به صرف معنای لغوی آن اکتفا کرده‌اند. اما متفکرین اسلامی که به تبیین واژه مکتب پرداخته‌اند می‌توان به شهید مطهری اشاره کرد. شهید مطهری مکتب را مساوق با «ایدئولوژی» می‌داند و درصدد بیان چیستی و ضرورت آن است (مطهری، ۱۳۹۴ ش: ج ۲، ۵۴-۶۴). ایشان با بیان فعالیت‌های تدبیری انسان در کنار فعالیت‌های التذادی او، بیان می‌دارد که انسان در فعالیت‌های تدبیری خود همواره يك طرح و نقشه و يك تئوری را در مرحله عمل پیاده می‌کند. فعالیت تدبیری به حکم آن که بر محور يك سلسله غایات و اهداف دوردست تنظیم می‌گردد، خواه ناخواه نیازمند به طرح و برنامه و روش و انتخاب وسیله برای وصول به مقصد است. فعالیت تدبیری آن‌گاه انسانی است که علاوه بر عقلانی بودن و ارادی بودن، در جهت گرایش‌های عالی انسانیت باشد. در حقیقت از دیدگاه شهید مطهری مکتب عبارت است از:

يك تئوری کلی، يك طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد (همان: ۵۷).

آنچه وحدت‌آفرین و جهت‌بخش بشریت امروز و فردا است یک فلسفه زندگی انتخابی، آگاهانه، آرمان‌خیز و مجهز به منطق جامع و کامل است. فرد مکتبی، آرمان‌های یک مکتب را پذیرفته و تصدیق می‌کند، لذا مکتبی بودن با ایمان درهم تنیده است. مکتب کارآمد، از سویی بر نوعی جهان بینی مبتنی بر وحی و نبوت است تا بتواند عقل را اقتناع و اندیشه را تغذیه نماید،

و از سوی دیگر باید بتواند منطقاً از جهان بینی خودش هدف‌هایی استنتاج کند که کشش و جذبه داشته باشند. در این هنگام عشق و اقناع عقلی که دو عنصر اساسی ایمان‌اند دست به دست یکدیگر داده، جهان را می‌سازند.

از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله مکتب عبارت است از «یک سیستم واحد فکری عملی» (همان: ج ۲۹، ۳۶۱) یعنی یک نظام فکری درباره آنچه باید باشد، که به عبارت دیگر همان «حکمت عملی» است، یعنی درک صحیح و واقعی درباره آنچه باید باشد. بنابراین مکتب دارای دو رکن است: ۱. یک دستگاه و مجموعه‌ای از اندیشه‌های هماهنگ است؛ ۲. با زندگی عملی و پابدها و نبایدها نسبت برقرار کرده است. روح و مایه یک مکتب همان «اندیشه‌های نظری» است که بر پایه‌های آن یک مکتب استوار شده است و همه اجزاء را به صورت یک دستگاه و یک پیکر درآورده است. از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله تنها اندیشه‌ای می‌تواند روح یک مکتب را تشکیل دهد که از طرفی پایه جهان بینی آن مکتب باشد یعنی نوعی بینش و دید و ارزیابی درباره هستی باشد، و از طرف دیگر «آرمان‌ساز» باشد و لذا از دید ایشان ایدئولوژی، هم پایه فلسفی باید داشته باشد و هم پایه ایمانی (همان: ۳۶۲).

شهید صدر در بررسی مکتب اقتصادی اسلام میان مفاهیم «مکتب» و «علم» تفکیک می‌کند. از منظر ایشان اسلام برخوردار از مکتب و نظام اقتصادی است و نه علم اقتصاد. وظیفه علم کشف حقایق خارجی و پدیده‌های زندگی حیات اقتصادی جامعه است همان‌گونه که واقعیت دارد. اما وظیفه مکتب و نظام اقتصادی ارائه روشی شایسته برای تنظیم حیات اقتصادی مطابق با نگرش عامی که از عدالت دارد. علم برای کشف واقعیت است و نظام و سیستم برای تبلور عدالت است. مسئله اسلام کشف پدیده‌های حیات اقتصادی و روابط بین آنها و علل آنها نیست بلکه وظیفه و مسئولیت اسلام به جای کشف حیات اقتصادی، تنظیم‌گری و ارائه برنامه شایسته مطابق دیدگاه عدالت اسلامی است (صدر، ۱۳۹۳ ش: ۴۰۷-۴۰۸). مکتب، راه و روشی است که یک جامعه در تکامل و درمان مشکلات عملی‌اش می‌پیماید. بنابراین مفهوم مکتب از دیدگاه ایشان از جنس برنامه و مؤلفه‌ای روشمند و نظاممند است که وجوه ارزشی و توصیه‌ای و ایمانی آن بر وجوه توصیفی آن غلبه دارد. از این رو منظور از مکتب اقتصادی را ایشان ایجاد روش برای تنظیم زندگی اقتصادی می‌دانند که متکی به عدالت باشد.

آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، در تشریح آیه ﴿و انزلنا معهم الکتاب﴾، کتاب را با مختصر مسامحه‌ای هم معنا با ایدئولوژی دانسته‌اند و آن را این‌گونه بیان می‌کنند:

کتاب را می‌توانیم با یک تعبیری، با مختصر مسامحه‌ای تطبیق کنیم با آنچه که امروز در عرف مکاتب جدید به آن می‌گویند ایدئولوژی، یعنی اصول و معارف سازنده، اصول فکری که در زمینه‌های عملی، اثر محسوس دارد و سازنده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶ش: ۳۸۷).

همچنین ایشان نقطه‌اساسی یک ایدئولوژی زندگی‌ساز، چه مادی و چه الهی را اعتقاد به مسئولیت انسان در دنیا دانسته و می‌گویند:

هر ایدئولوژی زندگی‌ساز، نقطه‌اساسی‌اش این است که من این‌جا برای کاری هستم. اگر معتقد به خدا است می‌گوید مرا برای کاری آوردند؛ اگر معتقد به خدا نیست، می‌گوید من به هر حال کاری دارم این‌جا (همان: ۹۱).

در بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام مفهوم مکتب غالباً مساوق با وجه تهذیبی و تربیتی اسلام در ساخت انسان در نظر گرفته شده است. «اسلام مکتب انسان‌سازی است - انسان را به همه ابعادی که دارد» (خمینی، ۱۳۸۹ش: ج ۵، ۳۲۶) و «مکتب اسلام مکتب تهذیب است؛ قرآن کتاب آدم‌سازی است؛ اتکال به قرآن بکنید. تعلیم از تعالیم عالییه اسلام بگیرید؛ اسلام انسان درست می‌کند، همان که اجانب، ابرقدرت‌ها از او می‌ترسند؛ از انسان می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است» (همان: ج ۶، ۲۷۸).

بنابراین مکتب به معنای «چارچوب و اصول فکری و عملی زندگی‌ساز و طرح و الگویی جامع و درس آموز برای انسان است». مکتب جهت‌بخش به مقام کنشگری انسان برای ساخت زندگی با «ایمان، پذیرش و تصدیق قلبی» توأم با «مجاهدت و تلاش بی‌وقفه و حداکثری» است.

عصر جدید عالم (دوران امام خمینی علیه السلام)

رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر جدید عالم را دوران امام خمینی علیه السلام بر شمرده‌اند به دلیل آن‌که ایشان حضرت امام علیه السلام را تجسم اسلام انقلابی (۱۳۶۹/۳/۱۴) می‌دانند و بر این اساس وی را آغازگر دوران جدیدی برای استکبار و سلطه جهانی شکننده دانسته‌اند (۱۳۶۹/۳/۱۴). از این رو ویژگی عصر امام خمینی را در بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملتها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سربرآوردن ارزش‌های معنوی و الهی ذکر کرده‌اند (۱۳۶۹/۳/۱۰). ایشان خصوصیت عصر جدید عالم یا همان دوران امام خمینی علیه السلام را در موارد زیر بیان داشته‌اند:

۱. رشد و گسترش اعتقاد و باورهای مذهبی و تبدیل بی‌ایمانی و بی‌دینی به ضدارزش (۱۳۶۹/۳/۱۴)؛

۲. معنا بخشیدن به ارزش انسان‌ها و قدرت حضور موثر توده‌های مردم، اصالت بخشیدن و تعیین‌کننده بودن و تصمیم‌گیر بودن مردم (پیروزی خون «مردم بدون سلاح» بر شمشیر) حکومت غاصب و ظالم و سلطه‌های غیرقانونی و غیربشری و ظالمانه) و امتناع امتداد حکومت‌ها علی‌رغم خواست توده‌های مردم (۱۳۶۹/۳/۱۴).

از این رو اصل آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرت‌های بزرگ (نه شرقی و نه غربی)، را بیان داشته‌اند که در این مقیاس اتکال یک ملت به خود و خداوند است و از قدرت‌های بیگانه مستقل است (۱۳۶۹/۳/۱۴). در حقیقت شهید سلیمانی در بستر فکری عصر امام خمینی علیه السلام نزج و هویت یافته و در امتداد بخشی آن نقش آفرینی کرده است.

معنای خط و مکتب امام خمینی علیه السلام

معنای خط و مکتب امام را رهبر معظم انقلاب همان بینش امام و مسلک و سلوک حکومتی امام امت دانسته‌اند (۱۳۷۱/۳/۱۴). و در حقیقت آن را تفسیرکننده نظام جمهوری اسلامی برشمرده‌اند (۱۳۷۱/۳/۱۴). رهبر معظم انقلاب مکتب امام خمینی علیه السلام را مکتبی مبتنی بر واقعیات و نه امر کلی ذهنی محض دانسته‌اند (۱۳۷۹/۱۰/۱۳ و ۱۳۷۹/۱۱/۲۹). که این خطوط مبتنی بر اسلام انقلابی است (۱۳۷۵/۳/۱۴). لذا ایشان خط امام خمینی علیه السلام را امتداد بخش راه انبیاء الهی می‌دانند (۱۳۹۰/۱۱/۲۱) و با پایبندی به اسلام ناب محمدی (۱۳۷۹/۱۱/۲۹) آن را راهی هموار و پیمودنی و با هدفی روشن توصیف می‌کنند (۱۳۶۹/۳/۱۶). در تبیین مکتب سیاسی امام، معظم له آن را همان اسلام ناب امام خمینی علیه السلام می‌دانند (۱۳۸۳/۲/۳۰) و میان مکتب سیاسی اسلام و مکتب امام (اسلام ناب) این همانی برقرار می‌سازند (۱۳۸۳/۲/۳۰). طرح مفهوم اسلام ناب محمدی و ایجاد سازه‌ای مفهومی در برابر اسلام آمریکایی از ابداعات نوآوری‌های معرفتی امام خمینی علیه السلام است؛ در این سازه مفهومی بنیان‌گذار نظام اسلامی درصدد آن هستند که بیان کنند، اسلام دینی سکولار و منهای سیاست نیست (۱۳۶۷/۱/۱۱). در طول تاریخ استعمار دشمنان اسلام و بیداری ملت‌های اسلامی درصدد ایجاد انگاره‌ی دروغین جدایی اسلام سیاسی و اجتماعی از اسلام معنوی و اخلاقی بودند. دشمن منطق انقلاب اسلامی استکبار، استعلاء و ترجیح است که درصدد آن است که از اسلام تنها اسمی بدون رسم و حقیقت باقی بماند تا مانعی درصدد حصار حاکمیت توحیدی و انحصار حاکمیت الهی باشد. حاکمیت

طاغوت با معرفی اسلام سیاسی و عدالت خواه به عنوان چهره‌ای خشن در دنیا، به اسلام هراسی دامن زده و با بی معنا و بیگانه جلوه دادن آن و یا با ناکارآمد و غیرموثر دانستن آن برای جوامع بشری و نظامات اجتماعی، دین و دنیای بشری را ضایع و از سویی دیگر مانع از گسترش و پیشرفت بینش سیاسی و اجتماعی اسلام در میان ملت های گوناگون می‌گردد. جوامع اسلامی را به اسلام منزوی، تسلیم و منفعل در برابر متجاوز و ظالم سوق می‌دهد.

اسلام نابی که در اندیشه انقلاب اسلامی مطرح می‌گردد، ضد اسلام متحجر و خرافی از یک سو و از سوی دیگر ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی است؛ بلکه اسلام ناب و حقیقی می‌تواند ملت خود را در برابر متجاوزان و ظالمان حمایت و به آنها مصونیت ببخشد و اجازه دخالت و سیطره دشمن را ندهد.

نقطه مقابل اسلام ناب محمدی یا از سویی عدم تکیه به ثوابت، اصول و مبانی منطقی، اخلاقی و حقوقی (جریان نوگرایی مطلق) دارد و یا به واپسگرایی و ایستایی مبتلا شده است که هر دو طیف معارض با اسلام ناب محمدی است. کلیدواژه اسلام آمریکایی در حقیقت نشانگر این دو رویکرد کلان به اسلام بوده‌اند و به معنای آن است که چنین اسلامی اسلام آلت دست قدرت‌ها بوده و اسلامی است که تشریفات و بی‌خاصیت قابل معنا است.

به اذعان رهبر معظم انقلاب، دنیای اسلام از این مکتب سیاسی امام تأثیر پذیرفته است و برای ملت اسلام الهام بخش بوده است (۱۳۸۳/۲/۳۰).

دیگر ابرواژه‌ای که به طور عام و شامل از مکتب امام خمینی علیه السلام یاد می‌کند، واژه «ولایت فقیه» است که ایشان با اصل و نظریه ولایت فقیه را با توجه به آفاق جدید دنیای امروز ارائه کرده‌اند (۱۳۷۸/۳/۱۴). در مکتب سیاسی امام، پاسداری از ارزش‌ها و مفهوم مترقی ولایت فقیه به مثابه مهندسی نظام و حافظ خط و جهت حرکت کلی نظام و مانع از انحراف از هدف آرمانی و ارزش است (۱۳۸۳/۳/۱۴). معظم له ضابطه‌های معنوی اهلیت و صلاحیت ولایت فقیه در مکتب امام، را اولاً علم که اثر آگاهی بخش دارد، ثانیاً تقوا که اثر شجاعت‌آوری دارد و ثالثاً درایت که اثر تأمین‌کننده مصالح ملت و کشور را داراست، معرفی می‌کنند. تأثیر رای مردم در چارچوب این ضوابط و حق انتخاب متعلق به مردم است. بنابراین در این مقوله ترکیب ضوابط دینی و اراده مردم محقق شده است.

هدف اصلی خط و مکتب امام خمینی علیه السلام

رهبر معظم انقلاب ویژگی و اهداف خط ترسیمی امام خمینی علیه السلام برای انقلاب را اولاً عظمت

اسلام و مسلمین (۱۳۶۸/۵/۱۲) و ثانیاً دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم دانسته است (۱۳۶۸/۵/۱۲). در راستای دستیابی به این اهداف، اتحاد مسلمانان و نزدیک کردن دل‌های آنها به یکدیگر در همه موضوعات و کم کردن اختلافات (۱۳۸۸/۱۲/۱۳) به عنوان هدف مکتب امام مطرح شده است و همچنین براساس این اهداف مسئله فلسطین پیگیری شده است (۱۳۸۸/۱۲/۱۳).

اهمیت خط و مکتب امام خمینی علیه السلام

زننده نگهداشتن راه امام را رهبر معظم انقلاب به مثابه اصول و معارف انقلاب اسلامی می‌دانند. امروزه در مواجهه با مکتب حضرت امام با دو پدیده منفی و دو آسیب اساسی مواجه هستیم. اولاً تحریف در شناخت تمامیت مکتب امام ثانیاً انحراف در عمل به مکتب امام. بنابراین تحریفات در مکتب امام از جنس نظر، تفکر و معرفت است و انحراف از مکتب امام از جنس عمل و اقدام و رفتاری است که در سطح خرد و کلان می‌تواند اتفاق بیفتد. برای مقابله با تحریف در مکتب امام، نیاز به بازشناسی، تأمل و ارتقاء معرفت نسبت به مکتب امام و دستیابی به یک بصیرت عمیق نسبت به ابعاد و زوایای مختلف مکتب امام، است. در مقابله با انحرافات از مکتب امام، نیز نیاز به یک مجاهدت و استقامت در عرصه عمل است.

رهبر معظم انقلاب تمسک به نام امام بدون اشاره به مکتب امام را امری خلاف واقع و تمسکی دروغین برشمرده‌اند (۱۳۸۳/۲/۳۰). و همبستگی میان نام و هویت حقیقی امام با مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام را بیان می‌کنند (۱۳۸۳/۲/۳۰). در دیدگاه معظم له اهمیت و ضرورت مکتب امام به دلیل بیان اصول مکتب مستخرج از دین دانسته‌اند که به نفی رویکرد تقلیدی پرداخته‌اند (۱۳۷۹/۱۰/۱۳). از دیدگاه ایشان خط امام، در حقیقت با زندگی، هستی و هویت ملی و انقلابی پیوند خورده است و مکتب امام در لایه هویتی مستقر گردیده است (۱۳۶۸/۵/۱۲). از سوی دیگر ضرورت توجه به مکتب امام را به دلیل برخورداری آن از حرف و راه تازه برای بشریت (۱۳۸۳/۳/۱۴) دانسته‌اند و آن را تنها راه ملت‌ها در مقابل مستکبران می‌دانند (۱۳۸۴/۳/۱۰). از این رو تأمین آرمان‌های به حق ملت اسلامی را تنها به وسیله خط و راه امام تبیین می‌کنند، که بر این اساس هویت و استقلال خود و انتخاب‌گری حفظ می‌شود (۱۳۸۴/۳/۱۰). لذا خط استقلال و بازگشت به هویت خود و استخراج گنجینه‌های پنهان آن و بالفعل کردن آنها تنها در شناخت و التزام به مکتب امام است (۱۳۸۴/۳/۱۰). از این رو اهداف انقلاب با همان روش امام تعیین می‌شود (۱۳۸۴/۳/۱۰).

خطوط و شاخص‌های برجسته مکتب امام خمینی علیه السلام

۱. تحریف مکتب امام خمینی علیه السلام

مکتب امام یک اجتهاد روشمند، مستند و معتبر، مبتنی بر استدلال و عقلانیت و تأملات علمی و فکری در اسلام ناب محمدی است. مکتب امام خمینی علیه السلام نسخه و بیان امروزی در باب مکتب اسلام ناب است در مقابل برداشت‌های غلط و تحریف‌آمیز از خود اسلام و ناظر به نیازها و خلأها و اهدافی که اسلام دنبال می‌کند. بنابراین مکتب امام خمینی علیه السلام، مکتبی مبتنی بر یک فرد و یک عقلانیت خود بنیاد و نظام دانایی شخص محور نیست، بلکه مبتنی بر نظام دانایی اسلامی است. از عوامل خطرناک در جامعه اسلامی اختلاط حق و باطل است که در این صورت تشخیص بین حق و باطل مشکل خواهد شد و دشمنان از این راه می‌توانند با تحریف باورها راه حکمرانی خود را بر مردم هموار کنند. روند تحریف ممکن است به گونه‌ای پیش برود که یک حقیقت تا سر حدّ ضد خودش تحریف شود. تحریف یک مکتب بازگونگی و دگردیسی آن مکتب است به نوعی که ضربه از درون به حساب می‌آید.

رهبر معظم انقلاب با طرح یک سؤال که آیا شخصیت‌ها هم قابل تحریفند؟ به بیان چگونگی تحریف شخصیت و جایگاه امام می‌پردازند. زیرا اصطلاح تحریف به طور معمول برای متون به کار می‌رود. لذا ایشان در پاسخ به این سؤال تحریف شخصیت را ممکن می‌دانند. «تحریف شخصیت‌ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند، یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود؛ همه اینها برمی‌گردد به تحریف شخصیت. شخصیتی که الگو است، امام و پیشوا است، رفتار او، گفتار او برای نسل‌های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زیان بزرگی به وجود خواهد آمد. امام را نباید به‌عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این جور می‌خواهند:

امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد؛ احترامش می‌کنیم، نامش را با تجلیل می‌آوریم، صرفاً همین؛ بعضی می‌خواهند امام را این جور بشناسند و بشناسانند و این جور تلقی کنند؛ این غلط است. امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیانگذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه این راه بستگی دارد به این که این نقشه راه، درست شناخته بشود؛ بدون این که امام را درست بشناسیم - به معنای شناخت اصول امام - این

نقشه راه، شناخته نخواهد شد (بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

اگر یک حقیقتی بارها تکرار نشود و با جزئیات و خصوصیات ذکر نشود، گمان تحریف این حقیقت به مرور وجود دارد. اکثر شما می‌دانید که انگیزه‌هایی برای تحریف شخصیت امام و تحریف انقلاب - که بزرگ‌ترین هنر امام بزرگوار بود - هست. ما باید تکرار کنیم حقایقی را که در باب امام و در باب انقلاب گفته‌ایم، باز هم بگوئیم و تکرار کنیم و مجال تحریف را از تحریف‌کنندگان بگیریم (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۶/۳/۱۴).

ایشان وصیت‌نامه امام را به مثابه یک قطب‌نما و تبیین‌کننده همه مافی‌الضمیر امام برای آینده انقلاب می‌دانند و بیان می‌دارند که نباید اجازه داد این شاخص‌ها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند (خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸/۳/۱۴). لذا ایشان مکتوبات و بیانات امام را از جمله بیانات و محکمات برشمرده‌اند. لذا ارزش‌های مطرح شده زنده و غیرقابل تحریف و تغییر می‌دانند (بیانات در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت دهم، ۱۳۹۲/۴/۲۳). ممکن است برخی در اثر عواملی همچون عناد و لجاج، به تحریف یک مکتب پس از تعقل آن دست بزنند، چنانچه در قرآن بیان گردیده است که گروهی از یهودیان با این‌که کلام خدا را تعقل نموده بودند ولی آن را تحریف نمودند: «وَقَدْ كَانَ قَرِيْبٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُوْنَ كَلَامَ اللّٰهِ ثُمَّ يَحْرَفُوْنَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوْهُ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ» (بقره: ۷۵). لذا دشمنان مکاتب الهی همواره به دنبال تحریف مفاهیم زندگی‌ساز و حرکت‌بخش آن مکتب بوده‌اند:

از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود... اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد... امروز همه افراد - چه کسانی که بیانات‌شان در حوزه‌های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچک‌تر سخنان‌شان مؤثر واقع می‌شود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیط‌های کارگری و... - مسئولند و اگر دیدند حقایق و محکمات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می‌گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند (بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰/۳/۱۴).

رهبر معظم انقلاب در باب مرز آزادی بیان و اظهار عقیده بیان می‌دارند:
... اما اگر در مواردی تحریف حقایق، تحریف دین، تحریف مسائلی که از اسلام در

اختیار مردم قرار باید بگیرد، این به شکل محزفی، تحریف شده‌ای، این مطالب بیان بشود و تحریف بشود، این جا هم آن جایی است که حکومت اسلامی و نظام اسلامی باید برخورد کند. اینها بخشی از مرزهای آزادی بیان است. بنابراین بیان، بیان عقیده و اظهار عقیده در محیط سالم آزاد است (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۲/۱۸).

به طور کلی چند نوع تحریف (وارونه‌سازی کلام از وضع و مسیر اصلی) نسبت به مکتب امام خمینی علیه السلام امکان پذیر است: اولاً تبعیض در پذیرش آموزه‌های مکتب امام، ثانیاً تفکیک اجزای مختلف مکتب امام، ثالثاً تغییر در جایگاه وزن مفاهیم، رابعاً انتحال و عدم رعایت اصالت کلام و خامساً تأویل بی ضابطه و انصراف بی ضابطه از دلالت اولی و ظاهری کلام است.

۲. اسلام ناب محمدی جوهره اصلی مکتب امام خمینی علیه السلام

جوهره اصلی مکتب امام در نوع «معرفت دینی» است. فقدان معرفت دینی صحیح، عامل بسیاری از کاستی‌های مسلمانان است و در حقیقت معرفت دینی زیرساخت فکری و عینی انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد که شکل‌گیری گفتمان راستین جدید با رشد معرفت دینی حاصل آید. آسیب در معرفت دینی با گونه‌های متفاوت آن مانع و حاجب اصلی پیشرفت جامعه اسلامی است. رشد و تحول معرفت دینی و طرح اسلام ناب محمدی و پیراست معرفت دینی از زواید و ملحقیات تحمیلی به دین از سوی زعمای دین و نگاه جامع به اسلام و پیگیری نسبت دین با سایر مقولات و عرصه‌های گوناگون زندگی، برآیندی جز انقلاب اسلامی نمی‌تواند داشته باشد. لذا با رشد و تکامل معرفت دینی جامعه نسبت به اسلام ناب محمدی و التزام و تدین به آن، ساخت انسان تراز انقلاب اسلامی را در پی خواهد داشت که فاعل شناسا و محرک در حرکت رشد یابنده انقلاب اسلامی است تا قدرت تحول‌آفرینی در عرصه‌های گوناگون زندگی را داشته باشد و ظرفیت‌های اسلام ناب و امت اسلامی را در جهت دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی به فعلیت رساند. لذا نخستین حرکت فکری امام خمینی علیه السلام اصلاح معرفت دینی مخاطبان جامعه خود بوده است.

رهبری در حفظ و سیانت از اندیشه و میراث امام خمینی علیه السلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین اجزای خط امام را طرح دوگانه اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی معرفی می‌کنند (۱۳۸۹/۳/۱۴). تحقق اسلام ناب را نیز جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نمی‌دانند (۱۳۸۹/۳/۱۴). در این دیدگاه مبارزه حقیقی و واقعی نظام سیاسی کشور با استکبار و ظلم، در ابتناء آن بر پایه شریعت و تفکر

اسلامی است (۱۳۸۹/۳/۱۴). لذا صیانت از اسلام وابسته به صیانت از نظام سیاسی اسلام است (۱۳۸۹/۳/۱۴). از دیدگاه معظم له مبنا و معیار میدان وسیع و گسترده جاذبه و دافعه امام، مبتنی بر مکتب اسلام است و نه براساس مسائل شخصی؛ بنابراین تولی و تبری در عرصه سیاست تابع تفکر و مبانی اسلامی است (۱۳۸۹/۳/۱۴).

۳. مکتب امام و آشنایی زدایی از نسبت دین و دنیا

رهبر معظم انقلاب اسلامی مکتب امام را باز تعریفی از نسبت «دین» و «دنیا» بیان داشته‌اند. تلقی از دنیا برای مکاتب فکری همواره مطمح نظر بوده است و از برای آن دیدگاه‌های متنوعی مطرح شده است. در یک طبقه‌بندی اولیه و نگاه ابتدائی می‌توان دیدگاه‌های متنوعی را بیان داشت:

اول) دنیا به مثابه جایگاه نشو و نما، تلاش و بهره‌مندی که دارای اقتضائات مخصوص به خود است؛

دوم) دنیا به مثابه صنع الهی و آیت عظمت و قدرت خداوندی و تلاش برای آبادانی آن برای نمایان‌سازی و شکوفا کردن عظمت آن است؛

سوم) دنیا به مثابه گذرگاهی ناگزیر و اغواگر است که آدمی بجهت عصیان در آن گرفتار شده است. لذا لازم است از آن دوری و به حداقل از آن اکتفا کرد؛

چهارم) دنیا به مثابه بستر و فرصت کمال‌یابی و ساخت آدمی است که با ابتلائات و اختیارات گوناگون و براساس نسبتی که آدمی با آن برقرار می‌کند، تلاش برای آبادانی آن ابراری در خدمت تحول وجودی و معرفتی انسان است.

در برخی از دیدگاه‌ها اقبال به دنیا منشأ رنج آدمی محسوب شود و براساس آن لازم است کار در دنیا نفی و بهره‌مندی از آن نهی شود و آبادانی آن موضوعیت نداشته باشد. همچنین می‌توان تلقی به دنیا به گونه‌ای باشد که در آن غایت وجودی آدمی در دنیا محصور گردد و کامجویی در آن را مورد توجه باشد. همچنین ممکن است دیدگاهی داشت که براساس آن کار در دنیا به اقل ممکن و برای سد جوع باشد و آبادانی دنیا نیز در آن محل اعتنا نباشد. همچنین در فروضی که در این زمینه می‌توان داشت می‌توان به فرضی اشاره کرد که در آن کار در دنیا به جهت تکلیف الهی بوده و ساخت آدمی نیز وابسته به تقدیر لایتغیر الهی پنداشته شده باشد؛ در حالی که در اندیشه اسلامی، دنیا محل ابتلا و کسب کمالات است و اقتضائات مادی و دنیوی برای تحول وجودی و معرفتی انسان است و غایت کار، آبادانی و بهره‌مندی از دنیا و خدمت

خلائق نیز به همین جهت است. در منظر اسلامی از سویی دنیا، محل تجلی و ظهور حقایق عالی در رقایق مادی است و از سوی دیگر مفاهیمی همچون کار و آبادانی و بهره‌مندی از دنیا نفی و نهی نشده است بلکه به نصیب آدمی از دنیا تأکید شده است؛ هرچند تماماً مقصود بالذات نبوده و همگی در جهت تحقق و تعالی انسان تکامل یافته است. لذا این که انسان و فاعل شناسا چه نسبتی با دنیا برقرار می‌کند دارای اهمیت است. لذا همه عرصه‌های زندگی مادی بستری برای تحقق وجودی انسان حقیقی و مجالی برای تجلی حقایق متعالی است. اذعان به اهمیت فرآیندی دنیا در تحلیل دوشئه‌ای عالم خلقت، و اذعان به رعایت حقوق انسان‌ها دلالت بر حق بهره‌مندی از دنیا در تفکر الهی است.

بنابراین از دیدگاه معظم له تفکیک میان دو معنای مذموم و ممدوح از «دنیا» ضروری است. در معارف الهی دو منظر از دنیا مطرح می‌گردد:

اول) دنیای ممدوح که در این معنا دنیا عالم تربیت و دارالتحصیل و محل تجارت مقامات، اکتساب کمالات و تهیه زندگانی سعادت‌مند ابدی است که بدون ورود در آن رسیدن به کمالات امکان‌پذیر نیست (خمینی، ۱۳۸۲ ش: ۱۲۱). عالم ملک مظهر جمال و جلال است و حضرت شهادت مطلقه محسوب می‌گردد که به این معنا برای آن مذمتی نیست (همان). دنیا مهد تربیت نفوس قدسی و دارالتحصیل مقامات عوالم است (همان: ۱۲۰). دنیای ممدوح عالم جزاء نیست (همان: ۱۰) بلکه دنیا عالم کسب و تحصیل است (همان: ۳۹). دنیای ممدوح مانع و بازدارنده از آخرت و دینداری نیست. زیرا تعلق و توجه به غیر الهی مذموم است و در صورتی که به دنیا ملاحظه غیریت و استقلال گردد و به تعین دنیوی آن توجه شود، امری مذموم می‌گردد. بنابراین آنچه که در حقیقت مذموم است غفلت و سکر استغراق در دنیا است نه نفس دنیا، آنچه مذموم است وابستگی و تعلق به دنیا است که مناط نکوهش آن باشد. ستیز با این آیت الهی با عنوان دنیا‌گریزی، بی‌معنا است. دنیا برهه‌ای محدود و موقتی است که برای آدمی امکان و فرصت بقا و نامحدودیت را به ارمغان می‌آورد. لذا حب و تعلق به این امر محدود و موقت، سطحی‌نگری و غرور است، در حالی که نزاحمات و منافرات و ملایمات، دنیا را محلی برای صلاح آدمی می‌کند؛ آنچه خلاف واقع است توقف و سکون در دنیا و محصور شدن در آن است؛ از این رو لازم است نگاه انعطافی به دنیا داشت تا آدمی در آن مسافر به شمار آید و نه ساکن آن (خمینی، ۱۴۲۵ ق: ۱۴۵-۱۴۶).

دوم) دنیای مذموم است که به معنای آن است که وجهه قلب آدمی به طبیعت و دلبستگی و محبت به آن باشد. این دلبستگی منشأ تمام مفاسد و خطاهای قلبی و قالبی است (خمینی،

۱۳۸۲ش: ۱۲۱). تعلق قلب و محبت دنیا همان دنیای مذموم است. به هر مقدار دلبستگی بیشتر، آدمی از عالم کرامت خداوند، به حجاب ظلمانی تعلقات قلبی به دنیا، محجوب‌تر گردد که خرق آن دشوارتر است. بنابراین دنیای مذموم امری است که انسان را از طاعت خدا و دوستی او و تحصیل آخرت باز دارد (همان: ۱۲۰). پس دنیا و آخرت در این رویکرد متقابلند. در حالی که هر آنچه باعث رضای خداوند و قرب او شود از آخرت است، اگرچه به حسب ظاهر از دنیا باشد (همان). مثل تجارت و زراعت و صناعت که مقصود از آنها معیشت عیال بنا بر اطاعت خداوند، صرف کردن در امور خیریه و اعانت به محتاجان و باز ایستادن از سؤال از مردم است (همان). لذا آنچه در روایت آمده است:

کسی که دنیا بزرگ‌ترین هم او باشد، خداوند فقر را بین دو چشم آدمی قرار دهد و کار او را در هم و متشتت کند؛ و کسی که بزرگ‌ترین هم او آخرت باشد خداوند بی‌نیازی را در دل او قرار دهد و امر وی را جمع کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۱۹).

منظور از آن دنیای مذموم است که مذمت این عالم در حقیقت، به خود او رجوع نمی‌کند به حسب نوع و اکثریت بلکه با توجه به علاقه قلبی و محبت به آن است (خمینی، ۱۳۸۲ش: ۱۲۱). بنابراین اگر آدمی این دنیا را متصرم، متغیر و عبورگاه خود و متجر و دارالتربیه خود داند، به هیچ یک از سختی و خوشی آن اعتنا نکند و احتیاجات و افتقار وی به امور دنیا و به مردم آن فرو کاسته شود؛ بلکه به جایی رسد که بی‌احتیاج شود و امورش جمع شده و تنظیم در کارش پیدا شود و غنای ذاتی و قلبی پیدا کند (همان: ۱۲۸). هر قدر به این عالم با نظر عظمت و محبت نگاه شود، و قلب علاقمند به آن شود به حسب مراتب محبت احتیاجات زیاد شود و فقر در باطن و ظاهر آدمی آشکار شود (همان). امور آدمی متشتت و در هم و قلب متزلزل و ناامیدی در دل او جایگزین گردد.

با توجه به دیدگاه رهبر معظم انقلاب، در مکتب امام به دنیا نگاه ابزاری شده است و آن را محل کشت و زراعت دانسته‌اند، لذا مبتنی بر این رویکرد دین از دنیا تفکیک پذیر نیست. اما اگر دنیا به معنای نفسانیت باشد، چنین دنیای مذمومی هووی دین و جمع آن با دین ممتنع است (۱۳۸۴/۳/۱۴). در دیدگاه معظم‌له «دین»، شکل‌دهنده و جهت‌بخش به عرصه متنوع جهان و مجموعه تلاش‌های انسانی است و «دنیا» میدان اساسی وظیفه، مسئولیت و رسالت دین برشمرده شده است (۱۳۸۴/۳/۱۴).

۴. اسلام و مردم ارکان و اصول اساسی مکتب امام خمینی علیه السلام

براساس دیدگاه معظم له در مکتب امام خمینی علیه السلام، آنچه محور اصولی این مکتب است، شامل دو رکن اساسی است. رکن اول اسلام است و رکن دوم مردم است (۱۳۸۲/۳/۱۴). بر این اساس، نظام اسلامی مبتنی بر «آراء» و «ایمان» مردم است (۱۳۹۰/۳/۱۴). در مجموع مشخصه راه امام، اسلام در درجه اول اهمیت و ارزشمندی است (۱۳۷۸/۳/۱۴). در حقیقت انقلاب و نهضت امام برای حاکمیت اسلام و ارزش‌های آن است (۱۳۷۸/۳/۱۴). در مکتب امام خمینی علیه السلام بایستی نسبت به آشکارسازی انگیزه اسلامی پیرامون حاکمیت اسلام و ارائه اسلام در قالب نظام و انطباق نظام بر اسلام قاطعیت، صراحت و جرأت داشت. اما در ساحت عمل فردی اشخاص نسبت به پایبندی به اسلام، بایستی از زبان نصیحت و موعظه، برخوردار بود (۱۳۷۸/۳/۱۴). تکیه بر مردم و عدم انکار رای مردم و خواست مردم در نظام اسلامی از ارکان و شاخص‌های اصلی مکتب امام محسوب می‌شود، خواه جایگاه و نقش مردم در مشروعیت ظهور کند، خواه این نقش در اعمال مشروعیت موثر واقع شود؛ هرچند در دیدگاه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای جایگاه اراده و خواست مردم در چارچوب قوانین و احکام اسلامی معنا دار است (۱۳۷۸/۳/۱۴).

معظم له در تبیین اصول برجسته انقلاب اسلامی، اولین اصل را اسلامی بودن مطرح ساخته‌اند. به این معنا که نظام وابسته به اسلام و مبتنی بر شرع مقدس اسلام است (۱۳۸۶/۳/۱۴). در تبیین این اصل بیان می‌دارند که اولاً اسلامی بودن معنای تعلق انقلاب به همه مسلمین با هر مذهبی است. هرچند این نظام از دل معارف شیعی جوشیده است. لذا فاقد شناسنامه تک مذهبی است (۱۳۸۶/۳/۱۴)؛ ثانیاً اخذ ارزش‌های اخلاقی و نظام‌های سیاسی و اجتماعی و قواعد کلی دین از کتاب و سنت و تعبد نسبت به آنها است (۱۳۸۶/۳/۱۴)؛ ثالثاً پاسخگویی به تمام نیازها و گشایش انسدادها با اجتهاد اسلامی و پشتوانه علمی فقها و دانشمندان اسلامی است (۱۳۸۶/۳/۱۴).

دومین اصل از اصول برجسته انقلاب را مردمی بودن نظام اسلامی بیان داشته‌اند (۱۳۸۶/۳/۱۴). به این معنا که رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم از عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و رأی مردم تعیین‌کننده است. نیازهای مادی و معنوی مردم هدف اساسی دولتمردان و نظام جمهوری اسلامی است. مردم به معنای حقیقی کلمه صاحب رای و اختیار هستند و حکومت مبتنی بر انتخاب زرسالاران و رهبران احزاب و استبداد احزاب نیست. به گونه‌ای که ساخت استبدادی و دیکتاتوری به شکل مدرن و

پیشرفته در کشورهای غربی مستقر و حاکم است (۱۳۸۶/۳/۱۴). در اندیشه سیاسی اسلام، هدف از تشکیل حکومت اسلامی را اولاً هدم جاهلیت طاغوت و کشف نقاب از چهره ملکوتی اسلام ناب محمدی و احیای کلمه علیای الهی؛ ثانیاً اهتمام به امور مسلمین، چنان‌که در روایت آمده است:

من أصبح و لم یهتم بأمر المسلمین فلیس منهم (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ۱۶۲).

ثالثاً اهتمام به امور جامعه انسانی بالاخص مستضعفین و مظلومین جهان، چنان‌که در روایت آمده است:

من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۱۶۴).

رابعاً حفظ استقلال و عزت در برابر مستکبرین و طاغوت، چنان‌که در روایت آمده است:

من اقر بالذل طائعاً فلیس منا اهل البیت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ۱۶۲).

و یا آنچه در بیان سیدالشهداء علیه السلام آمده:

هیئات منا الذله یأبی الله لنا ذلک و رسوله و المؤمنون (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۱).

خامساً قیام خود و اقامه دیگران برای اقامت مکتب و تمامیت دین حنیف الهی دانست.

مردم‌سالاری دینی به معنای کرامت حقیقی انسان و حرکت عموم مردم در چهارچوب دین خدا و نه سنت‌های جاهلی و خواست‌های کمپانی‌های اقتصادی و اصول خودساخته نظامیان و جنگ‌سالاران است. لذا حرکت در چهارچوب دین خدا و اراده مردم تعیین‌کننده مطلق است (۱۳۸۶/۳/۱۴). معظم له در بیان «اصول اساسی و ثابت خط امام»، اصل مردم‌سالاری دینی را یک وظیفه دینی برشمرده‌اند و بیان می‌دارند در آن جایی که مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم لازم است، این رجوع مبتنی بر نظر اسلام است. لذا مردم‌سالاری دینی به نحوی ایجاد یک تعهد اسلامی بوده و نه قرارداد عرفی و قابل نقض محسوب شود. از این رو حفظ خصوصیت مردم‌سالاری دینی یک تعهد دینی است (۱۳۸۱/۳/۱۴). معظم له با اشاره به مقوله «اصول انقلاب» به عدم ماندگاری هر نظامی که بر پایه مردم‌بنیان‌گذاری نشده است، اشاره می‌کند و در حقیقت مردم را یکی از علل محدثه و مبقیه بر می‌شمرند (۱۳۸۶/۱۰/۶).

۵. معنویت، عقلانیت و عدالت ابعاد اصلی مکتب امام خمینی علیه السلام

در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی برای تبیین مکتب امام، سه بعد اصلی این مکتب را این‌گونه توصیف کرده‌اند:

الف) معنویت؛

ب) عقلانیت؛

ج) عدالت (۱۳۹۰/۳/۱۴).

بُعد اول، معنویت است که به معنای آن است که کنشگر این مکتب، اهل ارتباط با خدا و سلوک معنوی و مانوس به توجه و تذکر ذکر الهی بوده و در برابر خداوند و اوامر و نواهی او خاشع است. از سوی دیگر در ساحت گرایش به کمک و نصرت الهی باورمند و امیدوار است (۱۳۹۰/۳/۱۴). این بُعد معنوی، در درجه اول در مؤلفه «اخلاص» ظهور می‌یابد. لذا براساس این مؤلفه کنش و فعالیت تنها با غایتی نهایی و مطلق و به دلیل انجام «تکلیف» الهی صورت می‌پذیرد. در این دیدگاه توحیدی، ترتب نتیجه بر انجام تکلیف کنشگر و تاثیر آن، فعل و عمل خداوند تعریف می‌شود. لذا ساز و کار اقدام مبتنی بر مقوله اخلاص بوده و عواملی همچون تعریف و تمجید دیگری و... مؤثر نیست (۱۳۹۰/۳/۱۴). لذا سیره امام خمینی علیه السلام، اخلاص در کلام و اقدام برای خداوند معرفی کرد که همین امر منجر به فتح دل‌های مؤمنین شده است (۱۳۶۹/۳/۱۶).

همچنین برای تبیین این بعد از ابعاد مکتب امام، کنشگر در ساحت گرایشی برخوردار از توجه به توکل، اعتماد و حسن ظن به خدا است مبتنی بر مقوله «اعتماد» الهی، تنها از خدا استعانت و استمداد در امور می‌یابد. زیرا به لحاظ بینشی عالم را محضر خدا و جلوه‌های الهی برشمرده است. همچنین براساس مؤلفه معنویت در مکتب امام، به رعایت «اخلاق» نیز سوق و توصیه شده است (۱۳۹۰/۳/۱۴).

بُعد دوم، عقلانیت است که به معنای به کارگیری خرد، تدبیر، فکر و محاسبات در امور است (۱۳۹۰/۳/۱۴). در این ساحت چند مصداق و نمونه را رهبر معظم انقلاب تبیین می‌کنند که عقلانیت مکتبی حضرت امام علیه السلام، منجر به ظهور آنها در مکتب سیاسی ایشان شده است که معظم له آنان را به عنوان «مظهر عقلانیت امام» برشمرده‌اند. اول، گزینش نظام مردم‌سالاری برای کشور و تکیه بر مشارکت، حضور و انتخاب مبتنی بر آراء مردمی است (۱۳۹۰/۳/۱۴). دومین مؤلفه که ایشان آن را به عنوان مظهر عقلانیت امام برشمرده‌اند، عدم نرمش و نفی عقب‌نشینی، عدم اعتماد و سرسختی و عدم انعطاف و ایستادگی در مقابل دشمن مهاجم است (۱۳۹۰/۳/۱۴). سومین مؤلفه از مظاهر عقلانیت مکتب امام، در لایه هویتی جامعه ظهور و بروز می‌کند و آن تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکایی در یک ملت است (۱۳۹۰/۳/۱۴). چهارمین مؤلفه عقلانیت امام، در رفراندوم قانون اساسی از طریق انتخابات و آراء مردمی و تدوین آن توسط خبرگان ملت ظهور یافته است. تدوین قانون اساسی پایه‌ریزی حقوقی و

سیاسی مستحکم برای فعالیت‌های اجتماعی و پیشرفت‌های علمی و در نهایت بنای تمدن عظیم اسلامی است (۱۳۹۰/۳/۱۴). پنجمین مؤلفه از مظاهر عقلانیت، تفهیم تعلق مملکت به خود مردم است به این معنا که مملکت صاحب دارد و مردم صاحب و مالک اصلی کشورند.

بعد سوم مکتب سیاسی امام، عدالت است (۱۳۹۰/۳/۱۴). مؤلفه عدالت در تکیه امام بر طبقات مستضعف و حمایت از محرومان ظهور یافته است. لذا تعبیر پابرهنگان و کوخ‌نشینان که از ناحیه امام ارائه شده است، دلالت بر همین مؤلفه عدالتی در مکتب برای حمایت ایشان دارد (۱۳۹۰/۳/۱۴). مبارزه با فساد و آفت مال‌اندوزی، اشرافی‌گری و منافع و رفاه شخصی در نظام اسلامی ریشه در مؤلفه عدالت دارد. توزیع عادلانه منابع و خدمات عمومی به نقاط مختلف کشور و تأکید بر ارتباط مستمر مسئولین کشور با مردم با توجه به همین نگاه عادلانه به مردم است (۱۳۹۰/۳/۱۴). ملاک قبول مسئولیت‌ها و انتخاب مسئولین از میان مردم بودن و نه براساس وابستگی‌های شخصی به قدرت‌ها و ثروت‌ها نیز دلالت بر جایگاه خطیر این منش عادلانه در مکتب امام است (۱۳۹۰/۳/۱۴). در این زمینه ویژگی دیگر مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم است. ایفای نقش اساسی آرای مردم براساس ارزشمند بودن هویت انسانی و کرامت انسان و هم قدرتمند و کارساز بودن هویت انسانی و تعیین‌کننده و تأثیرگذار بودن اراده انسان است. مردم‌سالاری حقیقی و نه اغواگر و صوری و شعاری که جلوه‌فروشی با تبلیغات و پول محسوب می‌شود یا انتخاب راه با اراده و خواست مردم در حقیقت برخواسته از متن دین است (۱۳۸۳/۳/۱۴).

در مکتب امام خمینی علیه السلام میان معنویت، عرفان و اخلاق با سیاست درهم تنیدگی و جمع برقرار است. لذا کانون اصلی رفتار سیاسی امام، معنویت است و بر این اساس اعتقاد به اراده تشریحی و اعتماد به اراده تکوینی الهی دارند. از این رو در راه تحقق شریعت الهی حرکت کرده و از سنن و قوانین الهی کمک و استعانت جسته‌اند. قوانین و هدایت شریعت بسترو مبنای حرکت سیاسی امام خمینی ره محسوب می‌شود و عمل ایشان به مثابه انجام تکلیف الهی است و نه برای صرف پیروزی قلمداد شود. این مسئله نه به معنای بی‌رغبتی ایشان نسبت به پیروزی که از نعم الهی است، می‌باشد بلکه به معنای آن است که آنچه انگیزش‌بخش برای پیشرفت به سوی هدف تکلیف و عمل به وظیفه الهی است، حرکت برای خدا است. مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام در تقابل با سیاست تفکیک دین از سیاست و تفکیک دولت از معنویت و اخلاق و طرد و ستیز با معنویت است. لذا از دیدگاه معظم له حرف نو مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام، همراهی «سیاست» با «معنویت» و «قدرت» با «اخلاق» است. بنابراین در همه ارکان

برنامه‌ریزی یک قدرت سیاسی است، رعایت اصول اخلاقی ضروری است (۱۳۸۳/۳/۱۴). از دیدگاه امام خمینی علیه السلام دین اسلام یک دین سیاسی و اجتماعی است و همه اقشار باید در سیاست و مسائل اجتماعی دخالت کنند و تکلیف ایشان مشارکت در امر سیاسی و اجتماعی است.^۱

۶. شاخص‌های مکتب امام خمینی علیه السلام

اصول و معارف اساسی انقلاب را رهبر معظم انقلاب با عنوان «بینات مکتب امام» اشاره داشته‌اند و راه امام در گشوده شدن گره‌ها و مشکلات را براساس این بینات معرفی کرده‌اند، این شاخص‌ها در مکتب امام خمینی علیه السلام عبارتند از:

ردیف	محور	عنوان رئوس و شاخص‌های خط و مکتب سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	تاریخ
۱	تعمیر و بازسازی	معنویت حقیقی و توجه و توکل به خدا	(۱۳۶۹/۷/۴) (۱۳۸۳/۲/۳۰)
		ارتباط با خدا و سلوک معنوی	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
		باورمندی به کمک الهی و امیدوار به خداوند	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
		مجاهدت برای عزت اسلام مجاهدت برای ایجاد مدینه فاضله اسلامی	(۱۳۶۹/۳/۱۶) (۱۳۶۸/۴/۱۴)
		اهتمام به تعبد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی (عدم جدایی مبارزه با طاغوت درون و بیرون)	(۱۳۷۱/۳/۱۴)
		قیام لله و اخلاص و انجام تکلیف الهی	(۱۳۶۸/۱۱/۹) (۱۳۹۰/۳/۱۴)
		پافشاری بر حفظ اصول دینی و شرع و فقه اسلامی پایبندی به تکلیف شرعی	(۱۳۶۸/۳/۱۶) (۱۳۸۵/۱۲/۱)
		اعتماد و حسن ظن به خدا و استمداد از او	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
		رعایت فضیلت‌های اخلاقی سلامت اخلاقی	(۱۳۹۰/۳/۱۴) (۱۳۸۵/۱۲/۱)
		فداکاری و مقدم دانستن منافع کشور و انقلاب بر منافع خود	(۱۳۶۹/۷/۴)
		اشتقاق به معارف معنوی واقعی و راستین و نه معنویت مکاتب انحرافی	(۱۳۶۸/۳/۱۴)
		دوگانه اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی	(۱۳۸۹/۳/۱۴)

ردیف	محور	عنوان رئوس و شاخص‌های خط و مکتب سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	تاریخ
		اطمینان و اعتماد به وعده‌های الهی و نفی یاس، ترس، غفلت، غرور و... براساس آن	(۱۳۸۹/۳/۱۴)
		ابتناء تصمیم‌گیری‌ها بر محاسبات معنوی و الهی و کسب رضای الهی و نه کسب پیروزی، قدرت و جاهت و...	(۱۳۸۹/۳/۱۴)
		درهم تنیدگی و جمع میان دین، معنویت، عرفان و اخلاق با سیاست	(۱۳۸۳/۳/۱۴)
		میزان و معیار قضاوت در مورد اشخاص با معیار حال کنونی اشخاص	(۱۳۸۹/۳/۱۴)
		عدم هراس در برابر تهدید دشمن	(۱۳۷۵/۳/۱۴)
		مرعوب نشدن در مقابل قدرت‌های جهانی	(۱۳۶۸/۳/۱۶)
۲	عدالت	عدالت اجتماعی و پیشرفت کشور	(۱۳۷۸/۳/۱۴)
		استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی	(۱۳۸۵/۱۲/۱)
		عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف‌های طبقاتی در برنامه‌های حکومت	(۱۳۸۵/۱۲/۱)
		(اعم از قانون‌گذاری، اجرا و قضاء)	(۱۳۸۳/۳/۱۴)
		ایجاد قسط و عدل در جامعه اسلامی	(۱۳۶۸/۳/۱۶)
		تکیه بر طبقات مستضعف و حمایت از محرومان و کمک به طبقات مستضعف	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
		(۱۳۷۸/۳/۱۴)	(۱۳۷۸/۳/۱۴)
		عدالت و مبارزه با آفت مال‌اندوزی، اشرافی‌گری و منافع و رفاه شخصی	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
		توزیع عادلانه خدمات عمومی به نقاط مختلف کشور	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
		اصل عدالت اجتماعی و اجرای عدالت و پرکردن فاصله طبقاتی (مبارزه با فساد اداری و اقتصادی و سوءاستفاده مالی و سیاسی از امکاناتی که قدرت در اختیار افراد می‌گذارد)	(۱۳۸۱/۳/۱۴)
۳		دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها	(۱۳۸۱/۳/۱۴)
		دفاع از حقوق مسلمانان عالم	(۱۳۸۱/۳/۱۴)
		دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم	(۱۳۸۱/۳/۱۴)
		توجه به ملت‌های مسلمان و مظلوم دنیا	(۱۳۶۸/۳/۱۶)
		حمایت از مظلومان	(۱۳۶۸/۳/۱۶)
		حمایت از مستضعفان و محرومان	(۱۳۶۸/۳/۱۶)
		حمایت از قشرهای محروم و کوخ‌نشین	(۱۳۶۸/۳/۱۶)
		نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی	(۱۳۶۸/۳/۱۴)
مبارزه به فساد، ظلم و زورگویی	(۱۳۸۱۰۳۱۴)		
۴	عقلانیت	عقلانیت و به‌کارگیری خرد	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
		حزم و حکمت در تدبیر	(۱۳۸۵/۱۲/۱)

ردیف	محور	عنوان رئوس و شاخص‌های خط و مکتب سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	تاریخ
		پاسداری از ولایت فقیه و ارزش‌های اسلامی	(۱۳۸۳/۳/۱۴)
		پاسداری از ارزش‌ها و مفهوم مترقی ولایت فقیه	(۱۳۸۳/۲/۳۰)
۵	اسلام‌مداری	راهیابی اندیشه الهی در همه تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح کلان ملی و شخصی	(۱۳۷۸/۳/۱۴)
۶	دشمن‌شناسی	شناخت دشمن و فریب نخوردن از آن	(۱۳۷۸/۳/۱۴)
۷	حساسیت نسبت به سرنوشت مسلمانان	علاقه‌مندی و حساسیت نسبت به سرنوشت مسلمانان عالم به گونه‌ای که ایشان عقل استراتژیک نظام اسلامی محسوب شوند	(۱۳۶۸/۳/۳۱) (۱۳۷۰/۱۲/۱)
۸	وحدت کلمه	اتحاد و وحدت کلمه و ایجاد هم بستگی و باور به استحکام روابط برادری بین مسلمانان به گونه‌ای که انقلاب اسلامی مبتنی وحدت و برادری میان مسلمانان است. این اتحاد و وحدت کلمه علاج تمام مشکلات کشور است. لذا از وحدت و حرکت امت بزرگ اسلامی دفاع کرده و بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان فائق آیند. وحدت کلمه و یکپارچگی ملت و مسئولان با پیوند عاطفی و عقیدتی مردم و مسئولان و همکاری دولت و ملت توسعه دیدگاه نسبت به جهان اسلام و اعتقاد راسخ به لزوم اتحاد مسلمین اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران و مبارزه با هر تفرقه‌افکنی	(۱۳۷۵/۱۱/۲۱) (۱۳۶۹/۷/۴) (۱۳۶۹/۹/۱۴) (۱۳۶۸/۳/۱۶) (۱۳۶۸/۴/۱۴) (۱۳۶۸/۳/۳۱) (۱۳۷۰/۷/۵) (۱۳۷۵/۱۱/۲۱) (۱۳۶۸/۳/۱۶) (۱۳۶۸/۴/۱۴) (۱۳۶۸/۳/۱۶) (۱۳۶۸/۴/۱۴) (۱۳۸۵/۱۲/۱) (۱۳۸۵/۱۲/۱) (۱۳۶۹/۳/۱۶) (۱۳۷۱/۳/۱۴) (۱۳۷۱/۳/۱۴)
۹	مردم‌سالاری دینی	مردم‌سالاری و تکیه به آرای مردمی و حضور مردم و انتخاب مردم اصل مردم‌سالاری دینی به مثابه یک تعهد و وظیفه دینی است. تکیه بر مردم و حاکمیت اراده و خواست و	(۱۳۹۰/۳/۱۴) (۱۳۸۱/۳/۱۴) (۱۳۸۹/۳/۱۴) (۱۳۸۳/۳/۱۴) (۱۳۸۳/۳/۱۴)

ردیف	محور	عنوان رئوس و شاخص های خط و مکتب سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	تاریخ
		تشخیص آنان دارای اهمیت است. نقش اصیل مردم در عرصه های مختلف انتخابات و غیرانتخابات اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم. مردم سالاری برخاسته از متن دین اصل بودن مردم حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد و حفظ رابطه با مردم صداقت و وفاداری به مردم ارتباط مسئولین کشور با مردم انتخاب مسئولین از میان مردم و از خود مردم و نه براساس وابستگی های شخصی به قدرت ها و ثروت ها ملاک قبول مسئولیت ها باشد. عدم توفیق تحمیل یک فکر و عقیده و نظم اجتماعی بر مردم (خصوصاً اگر منافی و مخالف با دین و عقیده دینی و اعتقاد قلبی مردم باشد)	(۱۳۷۱/۳/۱۴) (۱۳۷۱/۳/۱۴) (۱۳۷۱/۳/۱۴) (۱۳۸۵/۱۲/۱) (۱۳۹۰/۳/۱۴) (۱۳۹۰/۳/۱۴) (۱۳۶۸/۱۰/۶)
۱۰	عدم اعتماد	عدم اعتماد و عدم انعطاف در برابر دشمن مهاجم و ایستادگی در مقابل آن	(۱۳۹۰/۳/۱۴)
۱۱	خوداتکایی	اعتماد به نفس و خوداتکایی ملی	(۱۳۹۰۰۳۱۴)
۱۲	خدمت گذاری به مردم	اصل خدمت به مردم	(۱۳۸۱/۳/۱۴)
۱۳	استقلال همه جانبه	حفظ استقلال در همه زمینه ها و جلوگیری از نفوذ و رخنه دشمنان استقلال حقیقی و همه جانبه ملت، خودکفایی	(۱۳۸۱/۳/۱۴) (۱۳۶۸/۳/۱۶)
۱۴	نفی تحجر	نفی تحجر و ایستایی نفی تحجر و نفی التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب	(۱۳۸۱/۳/۱۴) (۱۳۷۱/۳/۱۴)
۱۵	نفی التقاط و غرب زدگی	نفی بدعت گذاری و تجدید نظرطلبانه غربی	(۱۳۸۱/۳/۱۴)
۱۶	نوآوری	نوآوری و نو بودن انقلاب و نشان دادن	(۱۳۶۸/۳/۱۴)

ردیف	محور	عنوان رئوس و شاخص‌های خط و مکتب سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	تاریخ
		عالمی نوبه مردم جهان	
۱۷	حرکت در جهت حاکمیت اسلام	تحقق اسلام ناب محمدی با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی حرکت در جهت حاکمیت اسلام و تحقق بخشیدن اسلام در زندگی مردم و جامعه را به صورت یک جامعه نمونه در آوردن	(۱۳۸۹/۳/۱۴) (۱۳۸۵/۱۲/۱)
۱۸	مبارزه با استکبار جهانی و ظلم	مبارزه حقیقی و واقعی نظام سیاسی کشور با استکبار و ظلم در ابتناء آن بر پایه شریعت و تفکر اسلامی است مبارزه با استکبار جهانی	(۱۳۸۹/۳/۱۴) (۱۳۶۸/۳/۱۶)
۱۹	صیانت از نظام سیاسی	وابستگی صیانت از اسلام به صیانت از نظام سیاسی اسلام	(۱۳۸۹/۳/۱۴)
۲۰	تبعیت از اندیشه و مبانی اسلامی	جاذبه و دافعه یا تولی و تبری در عرصه سیاست تابع تفکر و مبانی اسلامی	(۱۳۸۹/۳/۱۴)
۲۱	جهانی بودن نهضت	جهانی بودن نهضت و تعلق انقلاب به همه ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان نگاه جهانی و بین‌المللی مکتب امام (مخاطب امام در ایده سیاسی خود بشریت و همه امت اسلامی است و نه فقط ملت ایران)	(۱۳۸۹/۳/۱۴) (۱۳۸۳/۳/۱۴)
۲۲	فلسطین و مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی	بقاء یک واحد جغرافیایی تاریخی اصیل بنام فلسطین و نظام سیاسی آن و حذف یک واحد جعلی و تحمیلی بنام ملت اسرائیل توجه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی	(۱۳۸۹/۳/۱۴) (۱۳۷۱/۳/۱۴)
۲۳	تعامل سازنده	اصل بر ایجاد رابطه سالم دوستانه با دولت‌ها (مگر رابطه با دولت‌های استکباری و متجاوز و ظالم)	(۱۳۷۱/۳/۱۴)
۲۴	عزت و کرامت انقلابی	حفظ عزت و کرامت انقلابی جمهوری اسلامی در مناسبات بین‌المللی (اولاً شکست و تضعیف	(۱۳۸۵/۱۲/۱) (۱۳۶۸/۳/۱۶)

ردیف	محور	عنوان رئوس و شاخص‌های خط و مکتب سیاسی امام خمینی <small>علیه السلام</small>	تاریخ
		هیمنه و ابهت و ابرقدرت و ثانیاً تزریق شجاعت و جرأت به ملت‌ها در مقابله با دولت‌های دست‌نشانده) عزت بخشیدن به اسلام و ملت‌های اسلامی	
۲۵	سازندگی و آبادانی	سازندگی و آبادسازی کشور و جبران عقب‌ماندگی‌ها اصرار بازسازی و ارائه نمونه عینی و عملی از سازندگی اسلامی (سازندگی کشور و تحویل یک نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان)	(۱۳۸۵/۱۲/۱) (۱۳۷۱/۳/۱۴)
۲۶	پیشرفت علمی	پیشرفت و گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی	(۱۳۸۵/۱۲/۱)
۲۷	توجه به قدرت و ثروت ملی	اهتمام به قدرت و ثروت ملی	(۱۳۸۵/۱۲/۱)
۲۸	مقاومت	استقامت و ایستادگی (زبرالحدید) در مقابل توقعات دشمن ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرت‌های خارجی و نداشتن سر سازش با آنها	(۱۳۷۵/۳/۱۴) (۱۳۷۱/۳/۱۴)
۲۹	صدور انقلاب	صدور فرهنگی حرف و فکر انقلاب	(۱۳۸۳/۳/۱۴)
۳۰	حفظ اعتدال (نه شرقی و نه غربی)	حفظ اعتدال قاطع در خط نه شرقی و نه غربی	(۱۳۶۸/۳/۱۶) (۱۳۶۸/۴/۱۴)
۳۱	خودباوری	اهمیت دادن به توانایی ملت‌ها و اصل دانستن آن برای ایجاد تحول در دنیا	(۱۳۷۱/۳/۱۴)
۳۲	شجاعت	شجاعت در اقدام منش انقلاب اسلامی شجاعت همراه با تدبیر است	(۱۳۸۵/۱۲/۱) (۱۳۸۵/۷/۱۸)

آثار مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام

مکتب امام خمینی علیه السلام در حقیقت بنیانگذار نظام اسلامی است (۱۳۸۳/۳/۱۴). پیاده‌سازی راه و خط و فکری امام در جامعه در تقابل با طرفداری از نوگرایی مطلق و تحجر همواره مطالبه رهبر معظم انقلاب اسلامی است (۱۳۸۴/۳/۱۴). نقطه مقابل اسلام ناب محمدی یا از سویی

عدم تکیه به ثواب، اصول و مبانی منطقی، اخلاقی و حقوقی (جریان نوگرایی مطلق) دارد و یا به واپسگرایی و ایستایی مبتلا شده است که هر دو طیف معارض با اسلام ناب محمدی است. زنده نگهداشتن واقعی خط امام و پیاده‌سازی راه، خط و فکر امام دارای اهمیت و جایگاه بی‌مانندی است که در حقیقت نوگرایی در روش‌ها و تاکتیک‌ها و ثبات در اصول و استراتژی است.

آثار مکتب سیاسی امام عبارتند از:

۱. راه امام برانگیزاننده ایمان و محبت مردم به اسلام است (۱۳۶۸/۵/۱۲)؛
۲. راه امام ملت ایران را به ملتی فعال و زنده، مستقل و سرفراز تبدیل کرده است (۱۳۶۸/۵/۱۲)؛
۳. راه امام محور اساسی وحدت و اتحاد همه قومیت‌های ایرانی و همه اقشار و ... است (۱۳۷۵/۱۲/۱۸). راه افاقه بر مشکلات اتحاد و وحدت کلمه توحیدی، بیداری و هوشیاری است (۱۳۷۷/۱۰/۲۸). وحدت عمومی بر محور اسلام و خط امام «اعتصام به حبل الله» (۱۳۶۸/۴/۲۳)؛
۴. راه امام تعیین‌کننده جهت تقارب تشیع با محوریت انقلاب است (۱۳۶۹/۷/۲۹)؛
۵. دنیای اسلام از مکتب امام تأثیرپذیر بوده است (۱۳۸۳/۲/۳۰)؛
۶. مبتنی بر خط و راه امام، استبداد شکست خورده است (۱۳۸۳/۳/۱۴)؛
۷. خط امام عامل پیشرفت‌های برجسته کشور است (۱۳۸۴/۳/۱۰). لذا ما را از عقب ماندگی و وابستگی خارج کرده است (۱۳۶۸/۵/۱۲)؛
۸. مبتنی بر خط و راه امام، ترس از شکست و ترس از مرگ بی‌معنا است (۱۳۸۳/۳/۱۴). در مقابل موارد مزبور رهبر معظم انقلاب آثار جدایی از خط امام را خستگی، عقب‌نشینی، تسلیم در برابر تطمیع دشمن دانسته‌اند (۱۳۸۴/۳/۱۰).

مکتب قاسم سلیمانی و خط امام خمینی علیه السلام

در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی میان خط شهدا با خط امام راحل علیه السلام، رابطه و نسبت این همانی وجود دارد (۱۳۶۸۰۶۰۸) و این همان نسبتی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی آن را در مورد سیدشهادی مقاومت حاج قاسم سلیمانی مطرح کرده است. رهبر معظم انقلاب وظیفه پیروان و شاگردان مکتب امام را در دو مؤلفه خلاصه می‌کنند. از جمله وظایف پیروان مکتب امام خمینی علیه السلام اولاً عدم غفلت از دشمن و مایوس‌سازی دشمنان است (۱۳۶۹/۳/۱۴). و

ثانیاً پیروان مکتب امام خمینی علیه السلام مسیر اسلام تجلی یافته در رفتار و گفتار امام را پیگیری کنند (۱۳۸۵/۱۲/۱). بر این اساس در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی «حاج قاسم سلیمانی نمونه برجسته از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی علیه السلام بود». ^۱ مبتنی بر نظریه تربیت اسلامی مکتب امام خمینی علیه السلام که آن را در قالب گزاره‌های سازوار زیر ارائه می‌شود، می‌توان بیان رهبر معظم له نسبت به شهید سلیمانی که ایشان «نمونه برجسته از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی علیه السلام بود» را فهمید. در این منظر تربیتی است که انسانی مکتب‌ساز یا انسانی در مقیاس یک امت تربیت می‌شود. ویژگی‌های مکتب تربیتی امام عبارتند از:

اولاً در آن توجه به وجه یلی الربی و وجودی عالم و آدم می‌شود، از این رو «عالم» را «خلقت» و «آدم» را «خلیفه» الهی می‌یابد (خمینی، ۱۳۸۲ ش: ۱۲۲)؛

ثانیاً بر اساس آن توقف در انتقالات مفهومی و دلالی صرف بی‌معنا بوده و در آن بر وجه درک حضوری و شهودی تاکید می‌شود، از این رو به پردازش‌های ذهنی اکتفا نشده و حصول نتیجه موثر از وحدت، وصول و بلوغ به واقعیت و کمالات وجودی است (خمینی، ۱۳۷۷ ش: ۵۸ و ۷۸)؛

ثالثاً هدف از تربیت وجودی، تشبه، مشاکلت و تناسب وجودی با مبدأ اعلی است، از این رو خداوند و کمالات او را مقوم وجودی خویشتن وجدان می‌کند و در آن تمکن می‌یابد (خمینی، ۱۳۸۰ ش: ۲۲۳؛ خمینی، ۱۳۷۷ ش: ۳۰۲؛ خمینی، ۱۳۸۲ ش: ۴۶)؛

رابعاً فرآیند تربیت وجودی، فرآیندی تهذیبی و مشارکتی است که با طریق معرفت و توجه به نفس (خودشناسی) محقق می‌شود (خمینی، ۱۳۸۲ ش: ۲۲۲-۲۲۳).

در راستای پرورش در این نحو مکتب تربیتی است که انسان‌هایی مکتب‌ساز رشد می‌یابند که توانایی تحول‌آفرینی در دیگری، آموزندگی و بیدارگری بشریت را دارا هستند. به واسطه همین نقطه عطف تاریخی بودن است که شهادت ایشان به مثابه یکی از ایام الله یاد شده است.

شهادت شهید سلیمانی به مثابه ایام الله

در دیدگاه حضرت امام علیه السلام همه ایام متعلق به خداوند است اما به جهت ویژگی و خصوصیت برخی از ایام، آنها را به عنوان ایام الله شمرده می‌شوند:

امر دومی که فرموده است خدای تبارک و تعالی به حضرت موسی علیه السلام: وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ

۱. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، مکتوبات مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۳.

الله اینها را متذکر کن به «ایام خدا». همه ایام مال خداست؛ لکن بعضی از ایام يك خصوصیتی دارد که برای آن خصوصیت «یوم الله» می‌شود (خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۹، ۴۶۵).

در این جا مسئله‌ای طرح می‌شود که آیا شرافت، سعادت و نحوست مطلق زمان و مکان از خود ذات زمان یا تشخصات ذاتیه آن است یا به واسطه وقوع وقایع و حصول امور شریف و خسیس، بالعرض دارای آن مزیت می‌شوند؟ (خمینی، ۱۳۸۰ ش: ۳۲۴)

وجه ترجیح احتمال اول بنا بر اصالة الظهور، ظاهر اخبار و آیاتی است که صفت شرافت یا نحوست را برای ذات زمان و مکان اثبات می‌کند و نه صفت به حال متعلق آنان باشد. به دلیل آن که مانع عقلی در این زمینه وجود ندارد، حمل آنها بر این ظاهر متعین است. اما وجه ترجیح احتمال دوم آن است که حقیقت و شخصیت زمان و مکان، حقیقت و شخصیت واحده است، و از این جهت، ممکن نیست شخص واحد در حکم، متجزی و مختلف شود. بنابراین، آنچه وارد شده در شرافت یا نحوست، محمول بر وقایع و قضایای حاصله در آنها است.

اما بر وجه اول اشکال وارد می‌شود. زیرا «اصالة الظهور» در مقام شك در مراد، برای تعیین مراد است، نه پس از معلومیت مراد، اثبات حقیقت نماید. همچنین بر وجه دوم نیز اشکال وارد می‌شود. زیرا زمان گرچه شخص واحد است، ولی به دلیل آن که متدرج و ممتد است و حقیقت مقدریه دارد، مانع ندارد که بعضی اجزاء آن با بعضی دیگر در حکم و اثر مختلف باشد. بنابراین، از دیدگاه امام خمینی علیه السلام هر دو وجه ممکن است، ولی وجه دوم ارجح است و از اخبار کثیره و آیات نیز استفاده شود که شرافت و نحوست زمان‌ها و مکان‌ها به واسطه وقایع در آن است. گرچه استفاده شرف ذاتی از بعضی از آنها نیز می‌شود.

بنابراین با توجه به این استدلال حضرت امام، ایام الله به واسطه وقوع وقایع و حصول امور شریف، بالعرض دارای مزیت شرافت می‌شوند و الا در نظر کلی همه ایام متعلق به خداوند هستند.

حضرت امام خمینی علیه السلام ایام الله را به معنای هدایایی از غیب ربوبی برای بشریت (خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۹، ۴۶۶) و روز قدرت‌نمایی خداوند (همان: ۴۶۵) دانسته‌اند که برای تنبیه ملت‌ها حوادثی را بر آنها وارد می‌کند. لذا تذکر این «ایام الله» را از امور انسان‌ساز و بیدارکننده بشریت برشمرده‌اند:

تذکر به «ایام الله» که خداوند متعال به آن امر فرموده است، انسان‌ساز است. قضایایی که در ایام الله رخ داده است، برای تاریخ و انسان‌ها در طول تاریخ آموزنده و

بیدارکننده است. حوادث بزرگ تاریخ که قرآن مجید هم از بعضی از آنها یاد کرده است، سرمشقی پر برکت برای ساختن جامعه‌ها و اشخاص و جامعه عصر ما که عصر انقلاب است، و در کشور ایران که کشور انقلاب و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ است که باید آنها را ایام الله محسوب کنیم و به ذکر آنها و تذکر آن ایام بپردازیم؛ که برای ملت قهرمان و مجاهدان سلحشور، درس انقلاب است (همان: ج ۱۶، ۴۵۸).

از دیدگاه حضرت امام ایام الله حفظ این هدایای غیبی الهی ضروری است: بر ملت شریف ماست که این ایام الله را که هدیه‌هایی از عالم غیب ربوبی است با جان و دل حفظ و با چنگ و دندان نگهداری کنند (همان: ج ۱۴، ۴۰۵).

در خلال بیانات رهبر کبیر انقلاب مصادیقی از این ایام الله نیز ذکر شده است: یادتان نرود این ایام بزرگی که بر ملت ما گذشت، و «ایام الله» بود؛ مثل «۱۵ خرداد»؛ مثل «۱۷ شهریور». آن روزی که این خبیث فرار کرد از «ایام الله» بود؛ که یک ملتی که هیچ نداشت یک قدرت را شکست، به طوری که نتوانست بماند» (همان: ج ۹، ۴۶۶) «روزی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هجرت کردند به مدینه، این روز «یوم الله» است. روزی که مکه را فتح کردند «یوم الله» است. یوم قدرت‌نمایی خداست که یک یتیم را که همه رَفَضَش کرده بودند، نمی‌توانست زندگی بکند تو وطن خودش، تو خانه خودش، بعد از چندی فتح مکه به دست او شد؛ و آن قُلُدْرها و آن ثروتمندها و آن قدرتمندها همه در تحت سیطره او واقع شد» (همان: ۴۶۵) «یوم خوارج، روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر را کشید و این فاسدها را، این غده‌های سرطانی را درو کرد، این هم «یوم الله» بود. این مقدس‌هایی که پینه بسته بود پیشانی‌شان، لکن خدا را نمی‌شناختند، همین‌ها بودند که کشتند امیرالمؤمنین را! قیام کردند در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام از لشکر خودش بودند، قیام کردند در مقابل او. برای خاطر آن قضایایی که در صفین واقع شد و امام دید که اگر اینها باقی باشند فاسد می‌کنند ملت را، تمام‌شان را کشت، الا بعضی که فرار کردند؛ این «یوم الله» بود. روزهایی که خدای تبارک و تعالی برای تنبیه ملت‌ها یک چیزهایی را وارد می‌کند، یک زلزله‌ای وارد می‌کند، یک سیلی وارد می‌کند، یک طوفانی وارد می‌کند، که شلاق بزند به این مردم که آدم بشوید، اینها هم «یوم الله» است. چیزهایی است که به خدا مربوط است (همان).

علامه طباطبایی علیه السلام مراد از ایام الله را ایام مخصوصی می‌داند که به خاطر حوادثی حاصله در آن ایام، امر خداوند از قهر و لطف ظهور یافته است و آن چنان ظهور روشنی یافته است که

نسبت دادن آن به خدا آشکار است. با توجه به سیاق بیانی این آیات، اقتضا ظهور عزت خداوند را دارد و مقتضای عزت خدا، هم نعمت دادن، و هم عذاب کردن است (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۲، ۲۲). «شکی نیست که مراد از "ایام"، ایام مخصوصی است، و نسبت دادن ایام مخصوص به خدا با این که همه ایام و همه موجودات از خداست، حتماً به خاطر حوادثی است که در آن ایام مخصوص به وجود آمده و امر خدای تعالی را ظاهر ساخته است، که در دیگر ایام چنین ظهوری رخ نداده است، پس به طور مسلم مقصود از ایام خدا، آن زمان‌هایی است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده، و یا ظاهر می‌شود، مانند روز مرگ، که در آن روز سلطنت آخرتی خدا هویدا می‌گردد، و اسباب دنیوی از سببیت و تأثیر می‌افتند، و نیز مانند روز قیامت که هیچ کس برای دیگری مالک چیزی نیست و برای کسی کاری نمی‌تواند بکند، و همه امور، تنها به دست خدا است، و نیز مانند ایامی که قوم نوح و عاد و ثمود در آن ایام به هلاکت رسیدند، چون این گونه ایام، ایامی هستند که قهر و غلبه الهی در آن ظاهر گشته، و عزت خدایی، خودنمایی کرده است» (همان). «ممکن هم هست ایام ظهور رحمت و نعمت الهی، جزء این ایام بوده باشد، البته آن ایامی که نعمت‌های الهی آن چنان ظهوری یافته که در دیگر ایام به آن روشنی نبوده است، مانند روزی که حضرت نوح علیه السلام و یارانش از کشتی بیرون آمدند و مشمول سلام و برکات خدا شدند، و روزی که ابراهیم علیه السلام از آتش نجات یافت، و امثال اینها، زیرا این گونه ایام، مانند ایام مذکور دیگر، در حقیقت نسبتی به غیر خدا نداشته، بلکه ایام خدا و منسوب به اویند» (همان). همچنین علامه طباطبایی ایام الله را منحصر در مصادیقی که در آیات و روایات بیان شده است نمی‌داند بلکه مراد در این روایت نیز نشان دادن بعضی از مصادیق روشن ایام الله است. ایام الله سطوحی از واقعیت را نمایان می‌سازد که با خودفراروی از آن رویداد، دلالت و اشاره به معانی و حقایق لطیف و متعالی دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی شهادت حاج قاسم سلیمانی و تشییع آن بزرگوار را جزء ایام الله برشمرده‌اند. از منظر معظم له «یوم الله» یعنی آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می‌کند و آن هنگامی که جوامع و انسان‌ها و اقوام از دست قدرت‌های ستمگر نجات پیدا می‌کنند. ایام الله، روزهای بزرگ تاریخ‌ساز و دلیل راهی برای ساخت آینده هستند. از این رو این شهادت را نقطه عطف تاریخی و مؤلفه‌ای تاریخ‌ساز می‌دانند که به واسطه آن دست قدرت الهی در جامعه ایران فعال و ظهور یافته است. بیانات معظم له در جدول زیر آمده است:

ردیف	محور بیانات	مستندات
۱	ایام الله آیانه، نشانه اند، دلیل راهنند. برای چه کسانی؟ برای کسانی که این دو صفت را دارند: صبارند و شکورند	۹۸/۱۰/۲۷ (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران)
۲	یوم الله یعنی چه؟ یعنی آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می کند	۹۸/۱۰/۲۷ (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران)
۳	این [روز] یکی از ایام الله شد؛ آن وقتی که جوامع و انسان ها و اقوام از دست قدرت های ستمگر نجات پیدا می کنند	۹۸/۱۰/۲۷ (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران)
۴	ایام الله همین روزهای بزرگ تاریخ ساز است	۹۵/۱۲/۱۶ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان، دست اندرکاران و جمعی از خادمان راهیان نور به همراه جمعی از فرماندهان دفاع مقدس)
۵	هر کدام از این ایام الله، از این روزهای به یادماندنی، روزهایی که در آن جلوه ای از عظمت و انسانیت و فداکاری درخشیده است	۹۶/۱۱/۱۹ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)
۶	این روز در تاریخ بعد از خود و مسیر حرکت در طول انقلاب و نهضت، تأثیر اساسی داشت	۸۲/۱۰/۱۸ (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم)
۷	فرستی است برای فکر کردن و استنتاج کردن و براساس این استنتاج، آینده را ساختن و برای آینده برنامه ریزی کردن	۹۰/۰۸/۱۱ (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آستانه روز ملی مبارزه با استکبار جهانی)

خطوط و شاخص های برجسته مکتب شهید سلیمانی

در جدول زیر شبکه مضامین شخصیت و سیره شهید سلیمانی و آثار و برکات وجودی آن که در متن بیانات مشروح رهبر معظم انقلاب اسلامی آمده است در سه ساحت بینشی، گرایشی و کنش گری به آن اشاره شده است:

ردیف	محور	عنوان	موضوع	مستندات
	شخصیت و سیره حاج قاسم سلیمانی	ساحت بینشی	تربیت شده مکتب اسلام و امام خمینی و پابندی به خط امام و انقلاب	۹۸/۱۰/۱۳ (حضور رهبر انقلاب در منزل حاج قاسم سلیمانی) ۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			ساحت گرایشی	اخلاص و فقدان ریاکاری و تظاهر

ردیف	محور	عنوان	موضوع	مستندات
				۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب) ۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه‌های نماز جمعه تهران) ۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی) ۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			دارای شجاعت و فاقد زبونی و عقب‌نشینی و انفعال	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی) ۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			بی‌پروایی و عدم هراس از دشمن در راه جهاد فی سبیل الله	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی)
			بی‌پروایی و عدم هراس از تحمل مشقات و زحمات	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی)
			توأمان بودن شجاعت و تدبیر	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			توأمان بودن مجاهدت و خودسازی	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			برخوردار از روحیه جوانی	۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			دارای روحیه مقاومت	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			دارای درایت و تیزهوشی	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			دارای روحیه فداکاری و نوع‌دوستی	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد

ردیف	محور	عنوان	موضوع	مستندات
				شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			اهل معنویت و آخرت جویی	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			انقلابی‌گری و ذوب در انقلاب	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			برخوردار از شوق شهادت و نائل به شهادتی بزرگ	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی)
			مکتب‌ساز و درس‌آموز	۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه‌های نماز جمعه تهران)
			در معرض تهاجم دشمن و بمثابه شهید زنده	۹۷/۱۲/۱۹ (بیانات در مراسم اعطای نشان عالی ذوالفقار به فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران) ۷۶/۰۵/۱۳ (سایت رهبر انقلاب)
			توأمان بودن ایمان و عمل صالح	۹۸/۱۱/۱۶ (دیدار با اقشار مختلف مردم)
			توأمان بودن تدبیر و اقدام	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			برخورداری از سخن نافذ و اثرگذار	۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			توأمان بودن خطرپذیری در عین منطقی‌پذیری	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم در منطقه غرب آسیا	۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه‌های نماز جمعه تهران)
			فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی و در عین حال مراقب حدود شرعی	۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			برانگیزنده تحسین قلبی و زیبانی ولی امر جامعه اسلامی	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			شهادت به دست خبیث‌ترین انسان‌های عالم	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی)
			خدمت ارزشمند به اسلام و مسلمین	۱۳۹۲/۶/۱۹ (پیام تسلیت رهبر انقلاب برای درگذشت مادر سردار سلیمانی)
			برانگیختگی روحیه انقلابی مردم با شهادت و معنویت حاج قاسم سلیمانی	۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه‌های نماز جمعه تهران)
			آیه‌ای از جمله آیات قدرت الهی و نمایان سازنده زنده بودن	۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه‌های نماز جمعه تهران)

ساحت‌کنش‌گری

فرهنگ

آثار و برکات وجودی حاج قاسم سلیمانی

ردیف	محور	عنوان	موضوع	مستندات
			انقلاب اسلامی	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			دمیدن روح تازه به کالبد کشور و تجسم عینی به حرکت خودجوش مردمی	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل شهید حاج قاسم سلیمانی)
			تجسم و تبلور مؤلفه‌ها و ارزش‌های فرهنگ ایرانی اسلامی	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			قهرمان و چهره درخشان ملت ایران و قهرمان امت اسلامی	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			انسجام بخشی و تقویت هویت ملی	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			تقویت بیداری مردم (باز کردن چشم‌های غبارگرفته)	۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
		سیاست داخلی	سیاست ورزی با الگوی فراجنبی در مسائل داخلی کشور	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
			تأثیرگذاری بی‌بدیل در قضیه فلسطین	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب)
		سیاست خارجی	چهره بین‌المللی مقاومت و نماد مقاومت و قهرمان امت اسلامی	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل شهید حاج قاسم سلیمانی) ۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه‌های نماز جمعه تهران) ۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			ترویج و تعلیم نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه به ملت‌ها	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			اسم رمزبرانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)

ردیف	محور	عنوان	موضوع	مستندات
			غلبه نرم افزاری بر هیمنه پوچ استکبار و قهرمان شکست استکبار در جنگ نرم و سخت	۹۹/۹/۲۶ (بیانات در دیدار دست اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی)
			برانگیزنده تحسین دشمنان	۹۸/۱۱/۱۶ (دیدار با اقشار مختلف مردم)
			توانمندی پیروزی در جهاد اکبر و پیروزی در جهاد اصغر (برخورداری از کلنا الحسین)	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی) ۹۸/۱۱/۲۹ (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی)
			انگیزه بخشی به نیروهای محور مقاومت	۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه های نماز جمعه تهران)
			دفاع از امنیت کشور و فداکاری در این مسیر	۹۸/۱۰/۲۷ (خطبه های نماز جمعه تهران)
			عدم تعدی و ظلم در عرصه نظامی و رعایت حدود شرعی در میدان جنگ	۹۸/۱۰/۱۸ (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب) ۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			مراقبت و حفاظت از جان اطرافیان	۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			خنثی کردن نقشه های نامشروع آمریکا در غرب آسیا بخصوص شکست نقشه های آمریکا در عراق و سوریه	۹۹/۱۰/۱۹ (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی)
			خدمت به جهان اسلام و بشریت با پایان بخشی به سیطره داعش	۹۶/۰۸/۳۰ (پاسخ رهبر انقلاب به نامه سرلشکر قاسم سلیمانی درباره پایان سیطره داعش)
			امتداد بخشی به راه شهید سلیمانی	۹۸/۱۰/۱۳ (بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی)

نظامی امنیتی

همچنین با بررسی و شناخت شخصیت و سیره حاج قاسم سلیمانی از سخنرانی های و فعالیت های آن شهید بزرگوار و همچنین مصاحبه با نخبگان سه ساحت مذکور، شبکه مضامین آن در ساحت فرامتن به دست می آید که عبارتند از:

محور	سطح	مقوله
شخصیت و سیره حاج قاسم سلیمانی	ساحت بینشی	باورمندی به اسلام سیاسی
		ولایت مداری
		امت گرایی و فراملی گرایی
		اصلاح معرفت دینی با بهره مندی از اسلام ناب محمدی
		باور به عدم انسداد انقلاب

مقوله	سطح	محور
اعتماد به سنن الهی	ساحت گزینشی	
باورمندی به نصرت الهی		
باور تعهدزا و مسئولانه		
وسعت نظر و فکر		
عقلانیت انقلابی		
تعبد و معنویت		
توکل به خدا		
توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>		
پیشرفت‌گرایی و تحول‌خواهی		
روحیه انقلابی		
روحیه سلحشوری و شجاعت		
شهادت‌طلبی		
اخلاص		
ساده‌زیستی		
فطانت و دقت نظر		
مردم‌داری		
دوری از اشرافیت	ساحت کنش‌گری	
شهت‌گریزی		
خوش‌خلقی		
انقلابی‌گری		
همت مضاعف و عمل جهادی		
تلاش بی‌وقفه و سخت‌کوشی		
نظم و انضباط		
عمل به هنگام		
اعتماد به جوانان		
مسئولیت‌پذیری و امانت‌نگری		
استقامت و صبر		

همچنین در جدول زیر به آثار و برکات وجودی شهید سلیمانی که از طریق مصاحبه با نخبگان در ساحت فرامتن بدست آمده است، در ابعاد سه‌گانه فرهنگ، سیاست و اقتصاد می‌توان اشاره کرد:

مقوله	سطح	محور
ارائه سبک زندگی مومنانه	ساحت فرهنگ	آثار و برکات وجودی حاج قاسم سلیمانی
احترام و رسیدگی به خانواده معظم شهدا		
صدور انقلاب و الهام بخش ارزش‌های انقلابی		
تقویت لایه‌های هویت جامعه (همبستگی اجتماعی)		
فرهنگ ایثار، شهادت و مجاهدت		
بصیرت سیاسی	۷ (ت) سبک ۴ (ت) ۷ (ت)	

مقوله	سطح	محور
پرهیز از سیاست زدگی	ساحت سیاست خارجی	
تقویت اخوت دینی		
انسجام ملی		
تقویت امنیت ملی		
افزایش اقتدار و عزت اسلامی		
جهاد و مجاهدت حداکثری در راه اعتلاء کلمه حق		
دیپلماسی انقلابی		
استکبارستیزی		
حمایت از مظلومان عالم		
تقویت قدرت نرم انقلاب اسلامی		
تقویت جبهه مقاومت		
اتحاد امت اسلامی		
بهره مندی از نبوغ نظامی		
جنگ و دفاع با توجه به ملاکات فقهی و رعایت فضیلت مندی‌های اخلاقی		
پاسداری از انقلاب اسلامی		
تقویت هیبت و اقتدار نیروهای مسلح		
ارتقاء امنیت ملی کشور		
مدیریت جهادی و تشکیلات اسلامی	ساحت اقتصادی	
محرومیت زدایی و حمایت از مستضعفان		
کمک به دورزدن تحریم‌های اقتصادی جامعه اسلامی		
دغدغه مندی و کمک به رفع مشکلات معیشتی مردم		

نتیجه‌گیری

تمدن فعلیت یافته و عینیت بخش ارزش‌های بالقوه یک مکتب است. جوشش یک تمدن از نحوه انسان‌سازی و جامعه‌پردازی آن منشعب می‌شود؛ مسئله اصلی آن است که آیا گفتمان توحیدی انقلاب اسلامی، می‌تواند ظرفیت‌های بینشی و منشی و کنشی یک انسان در مقیاس یک امت را فعال کند! انسانی که در مقیاس یک امت تربیت شود، قدرت تحول‌آفرینی در همانسان را دارد و قدرت آن را دارد که به تغییر در فرهنگ پیرامونی و مرجعیت اجتماعی و تمدنی دست یابد. برخورداری از این نگاه تربیتی به سطحی از اهمیت است که به تربیت و اصلاح یک فرد انسانی، یک ملت اصلاح می‌شود. ساخت انسان تراز، ساخت فاعل شناسا و محرک در حرکت رشد‌یابنده انقلاب اسلامی است تا قدرت تحول‌آفرینی در عرصه‌های گوناگون زندگی را داشته باشد و ظرفیت‌های اسلام ناب و امت اسلامی را در جهت دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی به فعلیت رساند.

با توجه به تطبیق هویت و شاخص‌های به دست آمده از مکتب امام خمینی علیه السلام و مکتب شهید سلیمانی می‌توان انطباق میان جوهره مکتب یعنی باورمندی به اسلام ناب محمدی و ولایت مطلقه فقیه، انطباق میان ارکان و اصول اساسی مکتب سیاسی یعنی باورمندی به اسلام سیاسی و مردم و انطباق در ابعاد اصلی مکتب یعنی معنویت، عقلانیت و عدالت را به روشنی مشاهده کرد. لذا چنان‌که میان مکتب سیاسی اسلام و مکتب امام (اسلام ناب) این همانی برقرار می‌سازند. میان مکتب امام خمینی علیه السلام و مکتب شهید سلیمانی نیز این همانی برقرار است. با توجه به تعریف مکتب به مثابه چارچوب و اصول فکری و عملی زندگی ساز و طرح و الگویی جامع و درس‌آموز برای انسان و جهت‌بخش به مقام کنشگری انسان برای ساخت زندگی می‌توان گفت که همه مجاهدان انقلاب اسلامی از هیچ‌گونه انجام کنش رفتاری، کنش تبیینی و شکل‌دهی به تشکیلات با قصد حکومت ارزش‌های اسلامی فروگذار نکرده‌اند. فعالیت‌ها و نهضت‌های انجام گرفته پیش از ظهور برای تحقق عدالت، از جمله انقلاب اسلامی، حرکاتی است که با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام به نهایت خود خواهد رسید و هر کدام از این حرکات، گامی است در جهت تحقق فرج نهایی و موثر در نزدیکی ظهور است. به عبارت دیگر، برای رسیدن به فرج نهایی، زمینه‌سازی لازم است و این زمینه‌سازی گام به گام تحقق می‌یابد.^۱ بر این اساس، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مقدمه‌ای تشکیل چنین حکومتی را، به وجود آمدن حکومتی حائز مراتبی از عدالت و اسلام می‌دانند به گونه‌ای که بدون تشکیل چنین حکومتی، حکومت نهایی امام زمان علیه السلام ممکن نیست و جمهوری اسلامی به عنوان مصداق این حکومت، هرچه به سمت عدالت و اجرای احکام اسلامی پیشتر برود، ظهور نزدیک‌تر خواهد شد.^۲ نقش‌آفرینی شهید سلیمانی در این مقیاس، در جهت زمینه‌سازی و تسهیل‌گری برای حکومتی حائز مراتبی از عدالت و ارزش‌های اسلامی معنا دار است. بنابراین مجاهدان انقلاب اسلامی، همگی همگام در جبهه واحد مکتب اسلام ناب محمدی بوده و با آن در جبهه مقاومت، مظهر مبارزه با حکومت ستمگران قرار می‌گیرند. ایشان در هر زمان و مکانی در حال مبارزه با دشمن در راه وصول به مقصد هستند؛ در حقیقت مجاهدان الهی همواره در حال جهاد با ظلم، تحریف و انحراف و مبارزه سیاسی حادّ ممتد با طواغیت و ساخت زندگی بشری براساس ارزش‌های اسلامی بوده‌اند. هرچند صورت، قالب و ابزار این مبارزه به تبع شرایط و

۱. بیانات در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۶؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان علیه السلام؛ ۱۳۷۹/۸/۲۲ و

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، بسیجیان و خانواده‌های شهدای استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۴.

۲. بیانات در اجتماع مردم قم، ۱۳۶۳/۲/۲۷ و بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

ظروف زمانی و مکانی مختلف و به اقتضای زمینه‌های گوناگون، متفاوت بوده است. بنابراین می‌توان گفت که حاج قاسم سلیمانی در این شرایط زمانی و مکانی تبلور یافته مکتب اسلام امام خمینی علیه السلام است. در اندیشه امام خمینی علیه السلام و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) چنین انسان تربیت یافته در مکتب اسلام ناب محمدی، می‌توانند انسان‌های مکتب‌ساز و نقش‌آفرین در محور مقاومت در برابر مستکبران باشند و به عنوان نماد مقاومت مطرح شوند.

منابع

۱. پاکتچی، احمد (۱۳۹۵ ش)، *گفتارهایی در فرهنگ و ارتباطات اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ش)، *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، قم: اسراء.
۳. حرانی، ابن ابی شعبه (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ ش)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، ویرایش دوم، قم: موسسه ایمان جهادی (صهبا)، دوازدهم.
۵. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹ ش)، *تفسیر سوره ممتحنه*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)، اول.
۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹ ش)، *حدیث ولایت*، نرم افزار دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰ ش) *تفسیر سوره براءت*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی (وابسته به موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)، ششم.
۸. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳ ش)، *اسلام راهبر زندگی، مکتب اسلام، رسالت ما*، ترجمه: مهدی زندیه، قم: دارالصدر، اول.
۹. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم:

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی)، پنجم.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.

۱۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.

۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴ش)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.

۱۳. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۷ش)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۱۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰ش)، *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، دهم.

۱۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۲ش)، *شرح اربعین حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، بیست و هشتم.

۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، پنجم.

۱۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵ق)، *شرح دعای سحر*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، سوم.

18. Braun. V and Clarke. V (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), pp. 77-101.

19. Braun. V and Clarke. V (2012). Thematic analysis, in Cooper. H, Camic. P. M, Long. D. L, Panter. A. T, Rindskopf. D and Sher. K. J (Eds), *APA handbook of research methods in psychology*, Vol. 2: Research designs: Quantitative, qualitative, neuropsychological, and biological, pp. 57-71, Washington, DC: American Psychological Association.

20. Maguire. M and Delahunt. B (2017). Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars, *The All Ireland Journal of Teaching and Learning in Higher Education (AISHE-J)*, 8 (3), pp. 3351-33514